

# آواز



از انتشارات رادیو تلویزیون ملی افغانستان

دور دوم، شماره چهارم و پنجم، ۱۳۸۳



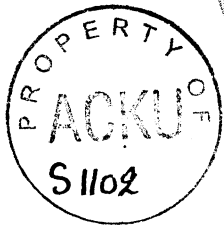


حسين "انوش"



### در برگ های این شماره

- ۱- سريزه
- ۲- اهداء نشان حسن همكاري...
- ۳- رويداد هاي فرهنگي
- ۴- كمونيكيشن يا ارتباط
- ۵- د تلويزيون د خبر راتولولو...
- ۶- تقدير از هنرمند...
- ۷- مستر فلاور
- ۸- يادي از استاد قاسم
- ۹- عكس داستان کوتاه
- ۱۰- بلي اتن
- ۱۱- اشعار انتخابي
- ۱۲- زما يواخني هيله
- ۱۳- ملتز و فكاهايات
- و...



به نام دادگر توانا

صاحب امتياز:

راديو تلويزيون ملي افغانستان

مدیر مسئول:

لميه احمدزي

تحت نظر:

رهنورد زرياب، غلام حسن حضرتي، ابراهيم سايق،

شمس الدين راد

مسئول چاپ و پخش

عبدالقدير صائم احمدی

۰۷۹۳۵۳۳۶۲

نشانی :

وزير اکبر خان، سرک ۱۳ - رياست عمومي

راديو و تلويزيون

تيلفون:

۲۱۰۳۲۰۰

تعداد شماره گان:

۱۵۰۰

چاپ و ديزاين:

مرکز ديزاين و چاپ نقش سبز

کابل - افغانستان

به کمک مالی شرکت افغان بیسیم

قیمت فی شماره : ۲۰ افغانی

# سریزه



په افغانستان کې د لنگر مهالی او ورپسې د مینځ مهالی ادارې په جوړښت سره د هیواد د بیلابیلو چارو د پرمختګ په موخه د نړیوالو د مرستو پر بنسټ پراخې هلې ځلې پیل او د روښانه راتلونکې هیلې زیاتې شوی.

په دولتي او خصوصي کچه د مهمو گامونو پورته کیدو ترڅنګ یو هم د بیان آزادی او پدی برخه کې د نوښتنو پیل وه.

د افغانستان د اطلاعاتو او فرهنگ د وزارت لخوا گڼ شمیر آزادو او خپلواکو ټلويزيونونو، راډيوگانو، ورځپاڼو او جریدو ته د کار کولو زمینه برابره او په ټولنی کې د واقعیتونو خپرولو ته وهڅول شوی. همدارنگه د افغانستان د راډيو ټلويزيون لوی ریاست هم وخت په وخت کاری هلې ځلې کړې او د خپلو پروگرامونو د کیفیت دښه والی ترڅنګ یې په خپل چوکاټ کې ځینې نورو داسې پراگرامونو ته هم ځای ورکړی چې په ورځنیو سیاسي، اقتصادي، کلتوري، فرهنگي او ورته نورو څانگو په خپرولو سره خپلو سیالان اندیښمن کړیدی چې د بیلګې په ډول یې د صبح بخیر او ماښام په پخیر افغانستان خپرونی ښودلای شو.

اولدی سره جوخت د افغانستان د ټلويزيون د خپرونو د ښه والی او پراختیا په موخه یې هم نه سترې کیدونکې هلې ځلې کړې که څه هم په نوموړې ټلويزيون کې له وړاندې پراخې ستونزې موجودې وی خود چارواکو د زیار پر بنسټ په بیړی سره په دغه ټلويزيون کې هم په ادارې او هم په نشراتي لحاظ مثبت بدلونونه راغلل سټیو یوگانی کمپیوټری او په ډیجیټال سیستم باندې سمبالې شوی، خپرنیزه دستګاه په پراخه کچه بیا ورغول شوه ویاندویانو او کارکونکو لپاره مسلکي کورسونه په لاره واچول شول نور گڼ شمیر داسې چاری چې د دغه راډيو او ټلويزيون د کار کونکو د ستونزو په له مینځه وړلو او د اوریدونکو په زیاتوالي کې یې مهم رول لوبولای دی.

مسوول مدیر



# اشاد نشان افتخاری حسن همکاری

## از طرف موسسه I.B.B به راديو تلويزيون ملي افغانستان

مذکور به تعداد ۲۰ دستگاه فرستنده موج F.M را به راديو و تلويزيون ملي افغانستان مساعدت مينمايد.

به همين ترتيب نشان افتخاري حسن همکاري راديو و تلويزيون از طرف موسسه I.B.B موشن آلمان نيز به رئيس عمومي راديو تلويزيون ملي افغانستان اهداء گرديد.

افغانستان پنجمين کشوري است که افتخار گرفتن اين نشان را بدست ميآورد. هم چنين بايد گفت که اهداء نشان حسن همکاري راديو و تلويزيون ملي افغانستان در جريان یک نيم سال در بين اعضای اتحاد بين المللی I.B.B شکل یک مدل کار موفقيت آميز قبول گرديد.

و هم به اثر توافق جانين نشرات دويچه ويلي بزبان های پشتو و دري برای افغانستان برای مدت یک سال ديگر تمديد يافت که قرار داد آنرا رئيس عمومي راديو تلويزيون ملي افغانستان طی اين سفرشان در آلمان به امضاء رسانيدند.

رياست عمومي راديو تلويزيون ملي افغانستان همواره در تلاش است تا زمينه های همکاري اقتصادي، تخنيکی و ژورناليستيکی موسسات خارجي را به منظور غنامندی کيفيت نشراتي راديو و تلويزيون جلب نمايد. به گونه مثال ميتوان از همکاري کشور جاپان در مرکز و ولايت در بازسازی استديو های تلويزيون به شکل جديد ديجيتال و هم چنان از همکاري های اقتصادي و تخنيکی کشور آلمان، فرانسه و هند در بازسازی ساير بخش های راديو و تلويزيون ياد آور شد. که همواره در جهت تقويه دستگاه های تخنيکی و ارتقاء سويه ژورناليستان راديو و تلويزيون اين نهاد فرهنگي و اطلاعاتي کشور را همکاري نموده اند. که روی همين ملحوظ محترم غلام حسن حضرتي رئيس عمومي راديو و تلويزيون ملي افغانستان اخيراً بنا به دعوت رسمي کشور آلمان پروتوکول همکاري بين راديو و تلويزيون ملي افغانستان و موسسه I.B.B. را در شهر موشن آلمان با جناب لمبرت Lambert رئيس موسسه I.B.B به امضاء رسانيده که به اساس آن موسسه

# ریدیا هک فرهنگ



## سریال اوشین

بتاریخ هژدهم دلو سال روان از طرف سفیر کشور جاپان سریال تلویزیونی اوشین در حالیکه وزیر اطلاعات و فرهنگ و توریزم محترم سید مخدوم رهین حضور داشتند به محترم غلام حسن حضرتی رئیس عمومی رادیو تلویزیون ملی افغانستان اهداء گردید. محترم غلام حسن حضرتی در مورد سریال اوشین گفتند که در ۶۰ کشور جهان این سریال با نمایش گذاشته شده که ۲۹۷ قسمت بوده و این سریال به زبان فارسی ترجمه شده و عنقریب از طریق تلویزیون ملی افغانستان به نمایش گذاشته خواهد شد.

سفیر کشور جاپان آقا نوری هیرواکودا در مورد هدف از این مساعدت جاپان به تلویزیون ملی افغانستان گفت که منظور آن تحریک غنای معنوی زندگی مردم افغانستان می باشد این سریال پند و عبرت آموز است برای مردم که چطور به مشکلات زندگی فایق شوند و این سریال قصه زندگی یک زن است که چطور با مشکلات زندگی دست و پنجه نرم نموده و طغیان زندگی را رام خویش میسازد.

رادیوی آمو در شهر فیض آباد مرکز ولایت بدخشان به کمک مالی موسسه انتر نیوز بتاریخ اول میزان سال روان رسماً به فعالیت آغاز کرد. در محفل افتتاح رادیوی یاد شده داد محمد عنابی رئیس نشرات رادیو افغانستان، نماینده دفتر انتر نیوز مسوولین دولتی و اهالی آن ولایت شرکت داشتند.

این رادیو روزانه شش ساعت نشرات دارد که شامل برنامه های خبری، علمی، آموزشی، تفریحی و معلوماتی میباشد و ساحه ۴۰ کیلو متر را در شهر فیض آباد در پوشش دارد.

رادیو صدای غزنویان به سرمایه شخصی یکتن از تجار ملی کشور و به همکاری دفتر انتر نیوز در ۲۲ سنبله سال روان رسماً فعالیت آغاز نمود.

این رادیو شبانه روز ۱۶ ساعت برنامه های مختلف خبری، تفریحی و معلوماتی را پخش مینماید، و ساجات ۴۵ کیلومتر را تحت پوشش نشراتی قرار میدهد



## افتتاح دستگاه ستلایت ست ۳

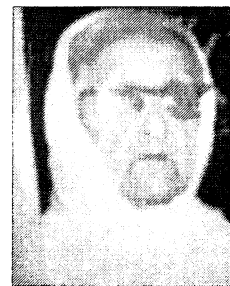
خوشبختانه ریاست عمومی رادیو تلویزیون ملی افغانستان به همکاری کشور دوست هندوستان، موفق شد تا با نصب دستگاه فرستنده ماهواره بی نشرات خویش را توسط ماهواره آسیا ست ۳ بخش نماید با استفاده از این امکانات نشرات تلویزیون افغانستان در سراسر کشور قابل دریافت بوده هم چنان در کشورهای همسایه چون پاکستان، ایران، قسمت های از چین کشورهای آسیا میانه قسمتی از قاره افریقا را تحت پوشش قرار میدهد.

انتظار می رود در کلیه برنامه های تلویزیون تغییرات چشم گیری به وجود آید چنانکه چندی قبل این دستگاه یعنی ماهواره آسیاست ۳ طی محفل خاص از طرف محترم داکتر سید مخدوم رهین وزیر اطلاعات و فرهنگ و توریزم سفیر کبیر هند در کابل و رئیس عمومی رادیو تلویزیون ملی افغانستان افتتاح گردید.

اولین نمایشگاه نسخ خطی تزئینی از سوی وزارت اطلاعات و فرهنگ بتاریخ ۷ میزان در آرشیف ملی گشایش یافت.

در آرشیف ملی افغانستان حدود ۸ هزار نسخ خطی و ۱۵۰ هزار اسناد مختلف تاریخی وجود دارد، نسخ تزئینی که در آرشیف ملی موجود است که بستگی به نسخ تزئینی در جهان اسلام داشته و بیشتر تمرکز نسخ خطی قرآن مجید و تفاسیر و بدرج سوم سایر آثار مخصوصاً آثار عاشقانه و منظومه های غنایی است.

گفتنی است به اثر سعی و تلاش وزارت اطلاعات و فرهنگ تعدادی زیادی از نسخ خطی که در سالهای آشوب به یغما رفته بود جمع آوری و در آرشیف ملی تحویل داده شده است.



تلویزیون دولتی افغانستان پخش گردیده بود که اینکار همچنان ادامه خواهید داشت چون در قانون اساسی افغانستان مردمان افغانستان از حقوق مساوی برخوردار هستند رادیو تلویزیون با پیروی از همین حکم قانون اساسی کشور در صدد بر آمد تا سیما برادران و خواهران نورستانی، بلوچ و پشه یی را نیز به پرده تلویزیون به نمایش گذارد و آواز هایشان را به گوش هموطنان برساند.

## اظهار تسلیت

با تاسف که درین اواخر دو تن از ورزیده ترین هنرمندان رادیو تلویزیون هر یک محترمه میرمن پروین و محترمه فریده پاکطین داعی اجل را لیک گفتند که هر دوی شان یعنی میرمن پروین در هنر آواز خوانی و میرمن فریده پاکطین در هنر نطافی از نخبه گان هنر بودند.

کارمندان مجله آواز مرگ این دو هنرمند نستو و سابقه دار را ضایعه جبران نا پذیر پنداشته و به فامیل های شان مراتب تسلیت خویش را تقدیم داشته برای آنان فردوس برین و برای فامیل های شان صبر جمیل از درگاه پروردگانه تمنا دارند.



ریاست عمومی رادیو تلویزیون کشور مطابق به پالیسی وزارت اطلاعات و فرهنگ و هماهنگ با سیاست دولت جمهوری اسلامی افغانستان و رسالتی که در برابر هموطنان دارد به پخش برنامه های به زبان های نورستانی، بلوچی و پشه یی نیز آغاز کرد این برنامه ها بروز دوشنبه بیست و ششم ماه دلو با پیام محترم دکتور سید مخدوم رهین وزیر اطلاعات و فرهنگ و توریسم به ساعت ۴ عصر آغاز گردید که الی ساعت ۵:۲۰ دقیقه همه روز ادامه خواهد داشت.

غلام حسن حضرتی رئیس عمومی رادیو تلویزیون افغانستان درین مورد چنین گفت: ((چون رادیو تلویزیون دولتی کشور به همه مردم افغانستان تعلق دارد ما تصمیم گرفتیم که به زبان های سایر اقوام افغانستان از جمله نورستانی ها، بلوچ ها و پشه یی ها نیز برنامه های داشته باشیم چنانکه هموطنان گرامی ما آگهی دارند پیش ازین برنامه های به زبان های ازبکی و ترکمنی نیز از

## تبدیلی مواد آرشیف رادیو تلویزیون

در حدود سی هزار ساعت برنامه ها و مواد آرشیفی رادیو و چارده هزار ساعت برنامه مواد آرشیفی تلویزیون ملی افغانستان به کمک رادیو تلویزیون فرانسه از سیستم انالوگ به سیستم دیجیتال تبدیل میگردد.

محترم غلام حسن حضرتی رئیس عمومی رادیو تلویزیون ملی افغانستان بنابر دعوت رسمی رادیو و تلویزیون موسسه آینه کشور فرانسه در سیمینار که مدت چهار روز دوام داشت اشتراک نمودند حین بازگشت بوطن درین مورد گفت: به موجب پروتوکول و همکاری که بین رادیو و تلویزیون ملی افغانستان و کشور فرانسه به امضا رسید. جهت حفاظت و کیفیت تخنیکی مواد نشراتی آرشیف های رادیو و تلویزیون ملی افغانستان، رادیو و تلویزیون فرانسه حاضر گردیده است تا تمام کست ها و مواد نشراتی هر دو آرشیف را از سیستم انالوگ به سیستم دیجیتال تبدیل نمایند.



هشتمین دور ورکشاپ آموزشی کمپیوتر میدیا سنتر BBC که در مقر رادیو تلویزیون دایر گردیده بود اخیراً به پایان رسید.

در این ورکشاپ که از تاریخ ۵-۷-۱۳۸۳ شروع و به تاریخ ۱۵-۱۰-۱۳۸۳ خاتمه یافت به تعداد هفتادوپنج (۷۵) تن از دست اندرکاران مطبوعات از منابع مختلف خبری دولتی و غیر دولتی اشتراک داشتند که بعد از یک دوره سه ماهه فراگیری برنامه های کمپیوتر با اخذ شهادتنامه فارغ گردیدند.

# کمونیکشن یا ارتباط چیست؟

شمس‌الدین "راد"

- ۱- فرستنده یا منبع
- ۲- گیرنده
- ۳- پیام ۴- هدف ۵- رسانه ۶- شرایط؛ موقعیت زمانی، مکانی، روانی؛
- ۷- مانع یا بازیت
- ۸- بر خورد یا عکس العمل،
- ۹- تاثیر

انواع ارتباط از نگاه رسانه های مورد استفاده :

۱- ارتباط کلامی (نوعی ارتباطی است که دران پیام ها در قالب رمزهای کلامی (اصوات) کلمه ها، جمله ها، عبارت ها چه شفاهی و چه نوشتاری باشد منتقل میشود

( در ارتباط کلامی انسان ها از طریق گفتگو با نوشتن با زبان مشترک تبادل پیام و افکار میکنند .

۲- ارتباط غیر کلامی:

در این شکل از ارتباط از رمز های غیر کلامی و تکامل زبان در جوامع بشری نقش و رول مهمی را بازی نموده و هنوز هم در موارد به عنوان تکمیل کننده ارتباط کلامی و یا به عنوان راه ارتباطی مستقل مورد استفاده قرار می گیرید مانند روشن کردن آتش بر فراز کوهها، شور دادن دستمال سفید بغرض صلح، نواختن دهل و یا زبان تصویری مانند نقاشی، عکس، فلم، توازن اصوات یعنی موسیقی، و زبان بدن (رقص) که شکل های مختلف ارتباط کلامی را تشکیل میدهند . برای قایم نمودن کمونیکشن و ارتباط در بین مردم جهان رائج دهه و است.

و بی شک که حواس پنجگانه انسان ها همه در قایم کردن و گرفت پیام و یاد گیری نقش حیاتی خویش را دارا بوده که قرار احصائیه ای حس بینایی یا چشم بیشتر از همه درین مورد موثر بوده و در ارزیابی بی حس بینایی انسان ها ۷۵٪ حس شنوایی ۱۳٪ حس لامسه ۶٪ بوایی و چشایی ۳٪ ذکر شده است.

بدین اساس برای استفاده سریع و آموزش باید از گوش و چشم استفاده شایانی نمود به همین اساس است که رادیو وسیله مفاهمه جمعی گوش و برای گوش بوده و مواد آن باید گوشنواز باشد و یک ژورنالیست رادیو زمانی موفق است که برنامه آن کلمات و جملات گوشنواز را دارا باشد یعنی کلمات و جملات و در مجموع برنامه آن سرعت، فصاحت و وضاحت داشته باشد که این سه عنصر عمده از اساسات ضروری و مهم برنامه های رادیویی میباشد به انکشافات ساینس تخنیک امروز بیشتر از دو دهه میشود که تلویزیون بحیث یکی از وسایل ارتباط همگانی در عرصه اطلاعات عرض وجود نموده که در آن حس شنوایی و بینایی هر دو در کار بوده که انسان ها در هر کجای جهان از پیام های تصویری و رویداد ها به میزان کافی استفاده مینمایند و نقش آن در خانواده اطلاعات و ارتباط همگانی خیلی ها مهم و محسوس بوده و میباشد و دست اندر کاران تلویزیون امروز برنامه های شانرا برای چشم و گوش آماده میسازند یعنی در تلویزیون حس بینایی و شنوایی هر دو شامل است. و با بینندگان و شنوندگان شان کمونیکشن و ارتباط و مفاهمه را قایم مینمایند.

در جوامع انسانی ضرورت افهام و تفهیم و ارتباط یکی از اولویت های ساسی زندگانی اجتماعی و با همی بوده و یکی از عناصر سازنده در نظام های اجتماعی کوچک و بزرگ مانند خانواده، اجتماعات روستایی، شهری، کشوری و بین المللی را کمونیکشن و یا ارتباط تشکیل میدهد.

ارتباط و یا کمونیکشن وسیله افهام و تفهیم بوده و در انتقال دانش ها مهارت ها، و نگرش ها سهم عمده را دارا میباشد که وسیله بس مهم در شکل گیری و تغییر در کردار، شناخت، عقاید و رفتار انسانها میگردد.

«کمونیکشن» ارتباط «یکی از ابزار اصلی دگرگونی های اجتماعی و سیاسی بوده و بر قراری درست آن باعث ترقی و خوشبختی و برعکس قایم نشدن آن بصورت درست باعث بدبختی و جارو جنگالهای اجتماعی و سیاسی در جوامع انسانی می گردد بدین اساس کمونیکشن و ارتباط از عناصر سازنده زندگانی اجتماعی سیاسی انسان ها محسوب میشود و ارتباط یا کمونیکشن را میتوان چنین تعریف کرد: -

تبادل پیام بین فرستنده و گیرنده به نحویکه ذهنیات؛ معانی؛ مورد نظر طرفین بیدگر منتقل شود.

تنها ارسال پیام بین فرستنده و گیرنده کافی نیست بلکه باید این امر در عمل نیز تحقق پیدا کند و طرفین منظور و مرام و مقصد درست یکدیگر را در یابند و با اشتراک فکر و تفاهم برابری معنی پیدا کنند، نوع کمونیکشن ارتباط: ما همه روزه در خواب و بیداری خویش در حال ارسال پیام و بر قراری ارتباط با دیگران و خود هستیم بنا بران متخصصان کمونیکشن و یا ارتباط را به چهار نوع تقسیم مینمایند:

۱- نزدیک ارتباط درون فردی یا درونی شخصی: درین نوع ارتباط شخص با خود در ارتباط میباشد و خود را در جهت انجام کاری تشویق می کند و یا از عملی کاری درست و یا نادرست که نموده خود را ملامت می کند.

۲- شود ارتباط فردی یا چهره به چهره: درین نوع ارتباط پیام بین دو نفر شکل میگیرد و تبادل میشود.

۳- ارتباط گروهی: درین نوع ارتباط افراد قابل شمارش شرکت دارند که این نوع ارتباط در سیمینار ها میز گرد ها، و صنوف درسی بر قرار می گردد.

۴- نزدیک ارتباط جمعی: نوع ارتباطی است که در آن اشخاص زیادی نا آشنا و نامتجانس و غیر مشخص که قابل شمارش نیستند مشارکت دارند که سخنرانی ها در مجامع عمومی، بیام از طریق برنامه های رادیویی و تلویزیونی و نشرات از همین قبیل است و امروز وسایل ارتباط جمعی گسترش زیاد یافته و با امکات جدید تخنیک انتشار اطلاعات در سرتاسر جهان و ( ) دنیا میسر شده است و جهان به یک پارچه از نگاه اطلاعات تبدیل شده است و اصطلاح دهکده جهانی؛ که توسط نویسنده و ژورنالیست کانادایی مارشال مک لوهان بکار رفته است مصداق واضح همین امر است ،

عناصر فہم کمونیکشن و یا ارتباط: مهمترین عناصر کمونیکشن و ارتباط عبارتند از :



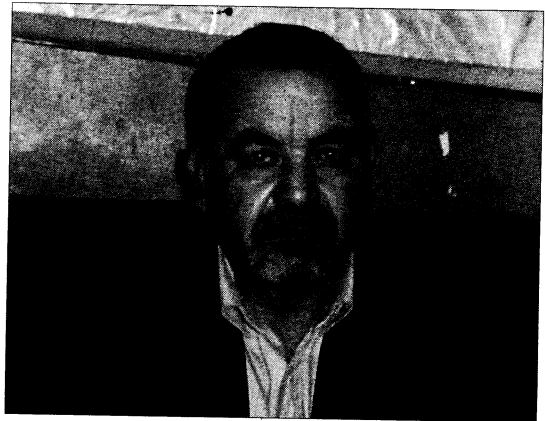


# د تلویزیون

## د خبر راتولو خانگه څه دندی لری؟

چی د دوی کامره مینان دا دنده هم لری تر خود دولت له لومړی پومرو چارواکو سره په رسمی سفرونو کی برخه واخلی او د هغوی د سفرونو له بهیر څخه مریوت وگره کی.

ښاغلی تره خیل د کمرو د څرنګوالي په هکله وویل چی پخوا کمری پداسی شکل وی چی فلمبر داری او ثبت په جلا جلا توګه کیده اوس د ډیجیټال کمرو له کارونی وروسته په اسانی او په ښکلی شکل فلم اخستل کیزی. س  
په پای کی انجنیر جلال الدین تره خیل وویل هغه حق الزحمه او معاش چی نوموړو کمرو مینانو ته وگره کول کیزی د کار کونکو امرتیاو ته په کتودیره تیه کچه لری ده له چارواکو غوښتنه وکړ چی ټول مامورین په یوه کټه کورنی کی مراټولی او هرې څانګی لپاره باید د هغوی د کار په اساس معاش وگره کړل شی.



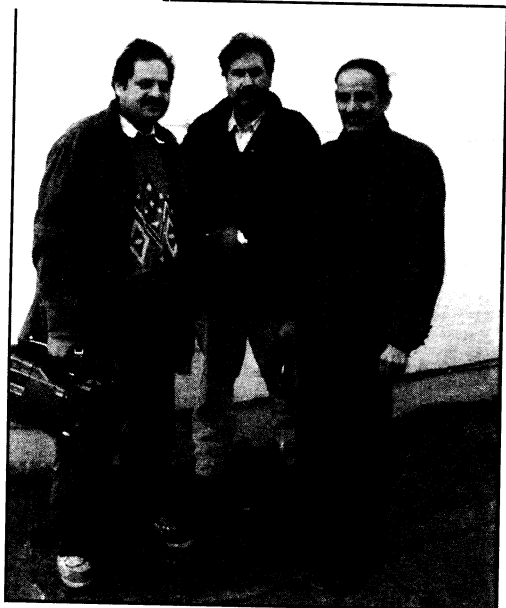
جلال الدین تره خیل

مونیږ وغوښتل چی د آوانر مجلی لوستونکو ته د خبرونو د مراټولو په هکله معلومات وگره کړو.

د دغی څانګی لوی مدیر ښاغلی جلال الدین تره خیل د نومړی څانګی دندی داسی په ګوته کړی:

پدی شعبه کی شاوخوا څوارلس ته کمرو مینا په نه سترې کیدونکی توګه د شی او وگره لخوا په کار لګیادی هر ورځ د تلویزیون د بیلابیلو څانګو څخه ډیر کتران او پروډیو سران د یوه منظمه کارنی پلان سره نوموړی شعبی ته مراجعه کوی البته دا باید وویل شی هغه پروګرامونه چی د تلویزیون د استدیو ګانو څخه بهر ثبت کیزی هم د دغی څانګی کار کونکی پکی مهمه ونډه لری.

د خبرونو مراټولو د څانګی مسول ښاغلی جلال الدین تره خیل وویل

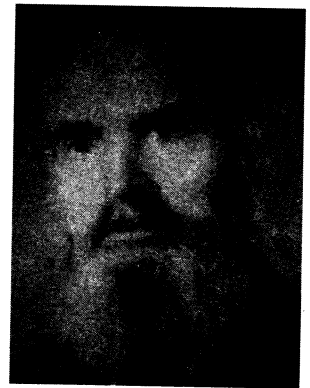


# تقدیر از هنرمندان شایسته

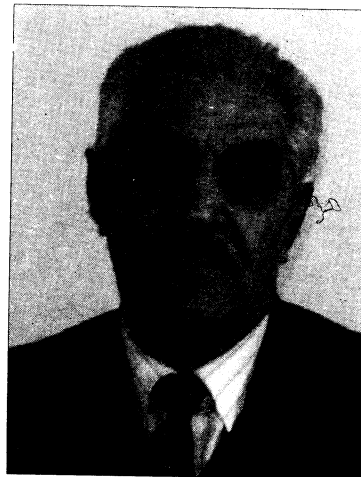
صائم احمدی

هنر آئینه تمام نما هستی است که با الهام از پدیده های رنگارنگ زنده گی و هستی به کمک یا مدد تحلیل انسانی به آفرینش هنر می پردازد و از اینراه به شناخت جهان و زنده گی خدمت می کند یک اثر هنری به هر اندازه نیکه با گسترده گی و ژرفای بیشتری واقعیت را نمایش دهد به همانا اندازه ارزشمند است.

هنرمند در کار آفرینش خویش زشتی ها را باز مینماید و زیبایی ها را بر جسته می سازد تا آنکه بتواند واقعیت را در حالات گوناگونش در اشکال رنگارنگ به وجه عالی تری تمثیل نماید. هنرمند و ممثل است که یک اثر هنری را روح تازه می بخشد و آنرا به شکل عالی تر و بهتر آن تمثیل و می نمایاند در کشور ما هنر و مقام هنرمند ارج بیشهوی داشته و دارد با در نظر داشت این امر اخیرا از طرف وزارت اطلاعات و فرهنگ به پنج تن از هنرمندان سابقه دار کشور که سالیان متمادی عمر عزیز شانرا را صرف هنر تمثیل به هموطنان خویش کرده اند لقب استادی اعطا شده است که ایشان عبارت اند از محترم جان محمد پکتا مشهور به پلار محترم فضل محمد فضلی محترمه محبوبه جباری محترم عبدالقادر فرخ و محترم اسد الله تاجزی اداره مجله آواز با پاس خدمات شایسته این موفقیت را برای شان در راسنای خدمات بیشتر برای غنامندی هنر تبریک و تهنیت عرض نموده که اینک هر یک این محترمان را بصورت مختصر برای خواننده گان عزیز مجله آواز معرفی میداریم.



را صرف نوشتن و دایرکت درام ها و نمایشنامه نموده است مشهور ترین آثار و درامه های محترم ف فضلی که خود نیز در آن نقش اجرانموده عبارت از درامه دستمال، رشوت خور، حویلی در مکروریان، ظالم حاکم، شیونگی قهرمان، وار خطا خسرو ده ها درامه و نمایشنامه دیگر، محترم فضل محمد فضلی در فلم های که نقش ایفا نموده اند مشهور ترین آن سریال در کوندی زوی و بابا میباشد. محترم ف فضلی در سال ۱۳۳۹ به کابل آمد و در رادیو کابل در مدیریت درام و دیالوک به کار گماشته شد که در دوره کار خویش بیش از صد درام و داستان دنباله نوشته و همچنان شاگردان متعددی تقدیم جامعه نمود که میتوان از ستوری منگل ستاره حمیدی، واحد نظری، عنایت شفق، ممنون مقصودی داود مقصودی و دیگران نام برد. و فعالان در رادیو در درامه خانه نو و زندگی و به صفت اکتور ایفا وظیفه مینماید.



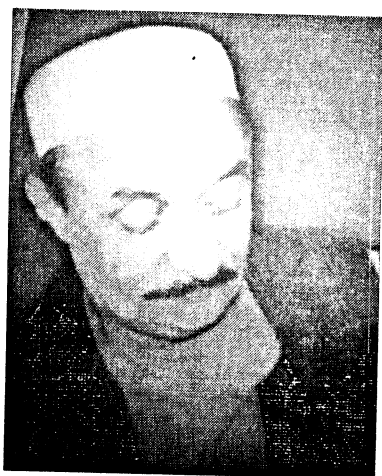
۲- محترم **فضل محمد فضلی** که در شهر قندهار متولد گردیده و تحصیلات خود را در لیسه احمد شاه بابا به پایه اکمال رسانیده و به اثر تشویق محترم جان محمد پلار به دنیا تمثیل و تیاتر رو آظورده اولین درام که در آن نقش اجرا نمود درام دستمال بود. نامبرده بهترین لحظات زندگی خویش

۱- محترم **جان محمد** مشهور به پلار که در سال ۱۲۹۳ هـ ش در ولایت قندهار تولد گردیده اولین موسس و بنیان گذار تیاتر در قندهار میباشد جان محمد پلار در دوران کار تیاتری خود در درامه متعددی نقش های مختلف را ایفا نموده که بعضی از آن درآمد ها و ها و نمایشنامه را خود وی نوشته است و نقش های بارزی را ایفا نموده مانند: دملالی پلار، استقلال، جادوگر، لوی احمد شاه بابا، د شیطان مرگ، د خبری زره اشتباه و امثال آن. فلم های که محترم جان محمد پلار در آن اجرای نقش نموده اند اینها اند: لحظه ها، گوندی زوی، تابستان داغ کابل، دهکده من، سربند، زمین داغ... محترم جان محمد پلار در دوره کار تیاتری خویش شاگردان متعددی در رشته تمثیل و تیاتر تربیه و به جامعه تقدیم نموده اند که محترم فضل محمد فضلی نیز از جمله شاگردان وی میباشد.

آوازی



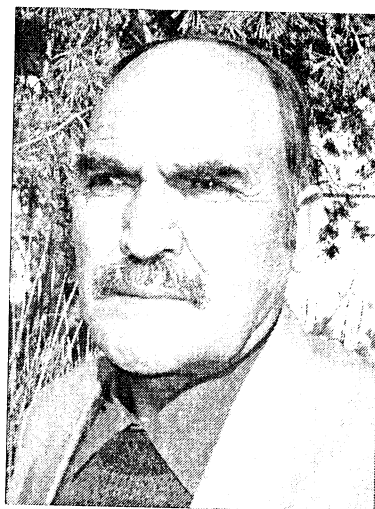
جیب، (اوتلو) اثر شکسپیر، قاتل کیست، قاعده و استثنا، مرغ زیرک، حماسه مادر، عروس خون مشهورترین فلمهای سینمایی و تلویزیونی قادر فرخ تابستان داغ کابل، نیلوفر در باران، دختر با پیراهن سفید، لحظه ها، حماسه عشق زمین داغ و آخرین فلم وی چشم های سرگردان میباشد شروع پاگراف قادر فرخ تاپ فعلا به صفت رییس انجمن تیاتر می هم چنان و به صفت اکتور در درامه های خانه نوو زندگی نو رادیو B.B.C ایفا وظیفه مینماید محترم استاد قادر فرخ به حیث بهترین بازیگر تیاتر شرق از کشور روسیه دیپلوم اخذ کرده است.



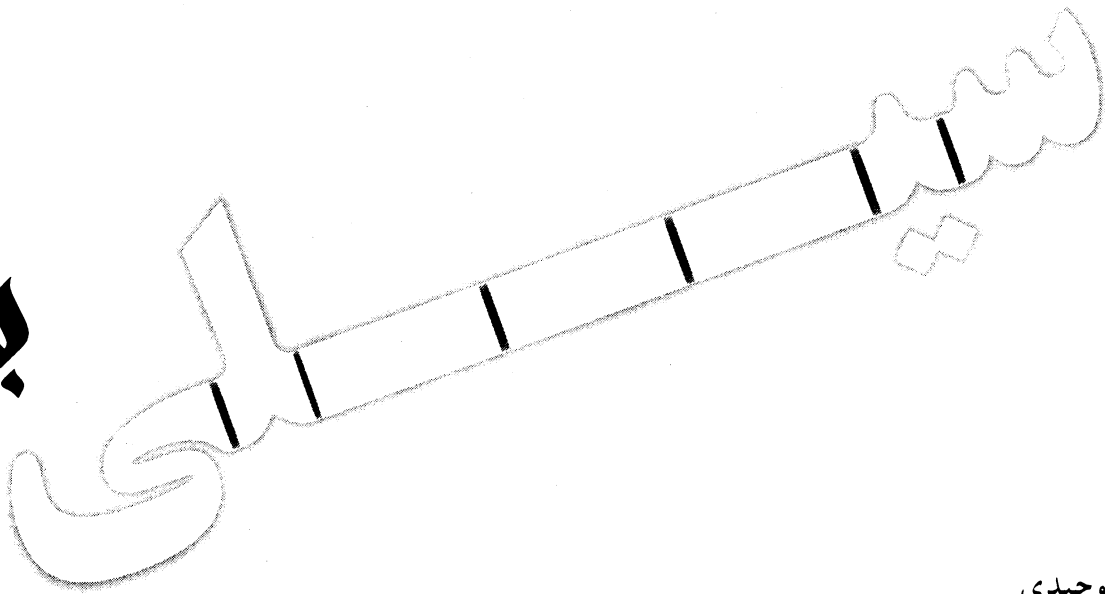
۵- اسد الله تاجزی در سال ۱۳۳۷ ه ش از لیسه میخانیکی کابل فارغ گردیده و بحیث میخانیک در پوهنه ننداری مقرر گردید که اولین لحظات تیاتری خویش را در همانجا آغاز کرد در سال ۱۳۴۰ اولین درام که غلط فهمی نام داشت و از طرف کابل ننداری تهیه گردیده بود اجرای نقش نمود است و در بیش از ۵۰ درام و نمایش تیاتری و تلویزیونی بزرگ کوچک نقش بازی نموده همچنان در ۲۵ فلم سینمایی و تلویزیون نقش های برارنده داشته اند. تاجزی فعلا به حیث موسس و رئیس تیاتر و همچنان در درامه خانه نوو زندگی نو رادیو B.B.C در نقش رحیمداد به صفت تاپ اکتور ایفا وظیفه می کند.

همچنان لقب شایسته ترین هنرمند تیاتر برای محترمه میمونه غزال محترمه عبدالله صمدی محترمه انیسه وهاب محترم ممنون مقصودی محترم کریم جاوید و محترم داود مقصودی توسط غلام رسول یوسفزی معین کلتوری وزارت اطلاعات و فرهنگ برای ایشان اعطا گردید،

۳- محترمه **محبوبه جباری** که در سال ۱۳۲۹ در شهر کابل تولد گردید و در دامان پر مهر هنر مند محبوب مرحومه میرمن پروین بزرگ گردید مشوق اصلی وی در رشته هنر و تمثیل مادرش میباشد اولین نمایش تیاتری محترمه محبوبه جباری به نام دختر گل فروش بود که در ۶ ساله گی روی استیژ بازی نمود وی از مدت ۴۰ سال بدینطرف در رادیو تلویزیون فلم و تیاتر ایفا وظیفه مینماید اولین فلم محبوبه جباری که به صفت اولین هنر پیشه زن در سینما کشور به شمار میرود فلم اندرز مادرم میباشد .



۴- محترم **عبدالقادر فرخ** فرزند محمد فرخ در سال ۱۳۳۱ ه- ش در شهر کابل دیده به جهاد گشود و بعد از آنکه در سال ۱۳۴۵ از لیسه نادریه فارغ گردید به صفت مامور و ممثل تیاتر در ریاست هنر و ثقافت پوهنه ننداری مقرر گردید که نخستین لحظات کار تیاتری وی نیز بشمار میرود آثار ارزنده تیاتری که قادر فرخ در آن نقش داشته و یا دایرکت نموده است شب و شلاق اثر داکتر اسد الله



## وحید الله توحیدی



دلری نه یو آشنا کس راته تر  
سترگو شو چي خادری بی په اوږه  
وطني سپینه خولی بی په سراو  
جک جک قدمونه بی اینسودل، بل  
خوک نه وو پرته د فضل الرحیم  
سیلی. خخه د سیلی دارنگه راتگه  
ډیرو پخوا وو وختونوته و یوږم  
دومره غرق شوم چی لږو سیلی.  
صاحب رانه لارشی چی غږ می پری  
وکر!

سیلی صاحب سلام

سلام علیکم خان می ورته وپیژانده خوشی له شوم ډیر  
خوشی له.

پوښتنه: کیزی سیلی صاحب خو پوښتنی وکرم؟

خواب: و بی نه ولی نه

پوښتنه: چیرته وی سیلی صاحب نه ښکاریدی؟

—: والله ژوند دی نو، پینورکی وم.

—: کورنی مو هم پینورکی وو.

—: نه هغوی کله چی کلغور نیاکی دی له مانه بیلی

ژوند کوی او هم نه غواړی چی ما سره گډ ژوند وکړی.

پوښتنه: ولی له تابلیل ژوند لری کوم خانگری دلیل

موجود دی که څنگه؟ کوم خاص دلیل هم نشته خود

هغی د پلار کورنی ډیره شتمندوه او زه غریب.

پوښتنه: کله چی تاسو په بهر کی ژوند کاوه فرهنگی

جاری موهم درلودکی کرنه؟

خواب: هو خود یری سبز ولی چی راته زمینه مساعده

نه وه پردی هیواد دی.

پوښتنه: سیلی صاحب تاسو په څومره شمیر تمثیلی



# مستر فلاور

توتی گي په خپله رول لوبولای او په ځانگړی ډول موکومه یوه ډرامه ډیره خوښیږي؟

—: خدای مي غاړه نه پندوی شاوخوا ۵۰۰ تمثلی توتی لرم چی آرشیف شوی دی. زیاتره په ډرام داستان، دکرهنی او مالداری کورنی ژوند او تمثیلی توتیو کی می کار کړی. همدارنگه یوه مشهوره ډرام وو چی د مرستی په نوم یاد یده او ماپکی د مستر فلاور رول لوبولای او ټولو به راته دباندی هم مستر فلاور ویل او ما به تل د نیکه قاضی، ملا خسرو او پلار رولونه لوباوه او په سټیژکی می هم تمثلی او اشتباهی توتی لرلی.

—: په خندا می بیا ترینه و پوښتل چی ښه مستر فلاور شو کاله مخکی مودی هنرته مخه کړی؟

—: په کال ۱۳۴۵ کی رادیو ته راغلی ووم ۲۱۲۰ کلن ووم په هغی وخت کی زما نوری ملگری هم وو لکه: ملگری، حبیب خاوی، عبداله حمیدی عاقل شاه، مقصودی. چی په کده به مو کار سره کاوه.

—: څنگه چی او ریدل کیزی ستاسی پخوانی ډرامی اوس هم خپریزی دی خپریدل ستاسی د نظره څنگه دی؟

—: زما دا ډرامی ۳۰ کاله مخکی ثبت شوی او هغی وخت سره یی سمون دلودل اوسی بیله زمانه ده اوس ډیر توپیر پیدا شوی باید نوی نوی توتی خپری شی.

—: آیا تاسو هغه وخت پدی لاره کی کوم بهرنی سفر هم

دلود؟

—: نه یوازی نقدی امتیاز را کول نه می کوم سفر دلود دونه می غوښتل چی سفر و کرم ولی چی په خپله له ستونزو سره مخامخ وم.

—: اوس غواړی چی بیرته را یو افغانستان سره همکاري پیل کړی؟

—: هو ولی نه ولی چی دا زما مینه ده هغه وخت کی چی به زما ډرامه خپریده ما به دهغی حرفونه شمیرل او ویل به می چی سباته که دی نه ډیر حرفونه دراد یو په څپو کی خپاره کړم په هماغه کچه اوس هم ورسره مینه لرم کوم به لون پکی ندی راغلی. نو حتماً یی پیلوم.

—: سیلی صاحب اوس چیری وسیزی؟

—: ځانگړی کور نلرم کله یو چیری بل چیری وسم خو ډیر خپلی خور کره ژوند تیروم.

—: آیا د دولت څخه مو د کور او اوسیدلو ځای غوښتنه کړی؟

—: نه ولی چی که یی و غواړم یو آپارتمان یا نمره به را کړی خوزه غواړم ماته ډیر ځای را کړی ولی چی خپل دوستانو سسرره گډ ژوند. وکړم نور دیوازی ژوند نه سترلی شوی یم. پدی ډول فضل الرحیم سیلی سره مرکه پای ته ورسیده او بیرته په جگو جگو قدمونو را څخه لاړ.

# یادی از استاد قاسم افغان

صالح احمدی



به محض کوه کندن همسر فرهاد نتوان شد

ز ارباب هنر از صد یکی مشهور میگردد

هر صاحب هنر و هنرمند در قلب تاریخ جا گرفته نمیتواند بل کسانی در پرتو این تجلیگاه عرض وجود کرده میتوانند که در ساحه حیات پرفتور خویش، نقش های بارزی را بازی کرده و ابراز موجودیت و برآزنده گی نموده باشند که از آن جمله یکی هم استاد قاسم افغان است. مرحوم استاد قاسم افغان متولد ۱۲۶۲-۱۳۳۵ هـ-ش گذر خرابات کابل، که بیش از چهل هشت سال عمر گرانبهای خویش را صرف ترقی موسیقی افغان و در راه نشاط و سرور مردم و همچنان در دربار سلاطین افغانستان به رامشگری گذشتانده و یکی از پیشتران و نوآوران نیرومند موسیقی کشور بود که در تاریخ نهضت موسیقی کشور چنان جنبش ها و تحولات ابتکاری را موجد شده که تاریخ موسیقی کشور آن کار نامه ها را فراموش نکرده و فنا ناپذیر باقی خواهد ماند.

قاسم افغان در شجره موسیقی هند شاخه ئی را بوجود آورد که امروز بنام طرز قاسم افغان (در موسیقی نوازان افغان) شهرت دارد و همین ابتکاری و اقتدار او در موسیقی بود که از جانب شاهان عصر لقب استادی یافته و فرامین و نشان ها گرفته است.

در آن زمان و روزگاری که موسیقی در افغانستان منیحت العموم به دو طرز خوانده میشد یکی ایرانی و دیگر به شیوه خاص هندی قدیم که در پایتخت کشور معمول و متداول بود که استاد نیز همین طرز ها را در خواندن تعقیب میکرد ولی همیشه در پی آن بود تا موسیقی افغانی را هویت جداگانه بخشد.

استاد قاسم افغان پسر استاد ستار جو که یکی از موسیقی دانان بلند آواز کشمیر بود در زمان امیر عبدالرحمن خان به کابل آمده و به دربار شاهی مقام مطربی حاصل کرد.

وی اولاً اساسات موسیقی را نزد پدرش مرحوم استاد ستار جو و استاد قربانعلی خان در کابل و پس از آن یکی از شاگردان لایق استایارخان هندی بود، که درک و فهم خود را در فن موسیقی به حد کمال رسانید و در تمام شقوق موسیقی حق استادی را داشته و جنبه های فنی و احساسی موسیقی را حین سرودن مراعات میکرد، در سرودن راگ تمری، راگنی خیال غزل و ترانه حتی طرز های ملی روستائی و پشتو علی السویه سبقت

جسته و در خواندن راگ ها و انواع طرز های مخصوصه طرز هندی در بسی کنفرانس های موسیقی هند در سلسله استادان و موسیقی دانان مشهور استقبال میگردد. موسیقی دان شهپر وطن استاد قاسم افغان یک شخص نکته سنج و موقع شناس بود که غرور افغانی و درد ملی داشت، آزاد وار سخن میراند و معتقد بود که سرود های افغانی از موسیقی هندی و ایرانی مجزای است و همینکه استاد در فن موسیقی به حد کمال رسید شعله آزاد منشی و ملیت خواهی در کانون سینه اش مشتعل تر شد غرور و حس افغانیت او را واداشت تا به موسیقی معمول دست تصرف دراز کند و موسیقی افغانی را از موسیقی هند جدا، شکل و هویت عمومی آنرا تغییر داده طرز های تازه ئی را بنام طرز قاسمی (افغانی) در داخل فن موسیقی ایجاد نماید و به همین ترتیب موسیقی کلاسیک افغانی را رنگ و شکل قانونی و فنی بخشید که تا امروز همان طرز ها معمول بوده و تمام ارباب موسیقی کشور از آن بیرونی کرده و هنگام نواختن طرز تمری و غزلخوانی بهر شکل و قیافه، تغییر و تحویلیکه نغمه سرای میکنند از طرز و روش استاد تقلید و کاپی کرده و نمیتوانند منیحت العموم از آن چوکات خارج گردند.

استاد قاسم مرحوم در اثر تکالیف و زحمات شباروزی که متقبل شد توانست اثرات موسیقی خارجی را از وطن معدوم و استقلال موسیقی افغان را تأمین نماید و به همین استاد تاریخ نهضت موسیقی کلاسیک در کشور ما با داخل شدن استاد قاسم در صحنه توأم است. که سخن را با چند بیت از حضرت عشقری (رح) که بمناسبت اولین سالگرد وفات استاد قاسم ۱۳۳۶ سروده خاتمه میبخشیم.

جسم قاسم خاک شد روحش به پرواز است هنوز

طرز های خواندنش در پرده و ساز است هنوز

آن گلو و آن زبان و کام، با سر خاک شد

یادوی در خاطر هر فرد دمساز آنست هنوز



# ویاندویان د سره

## جلاشی

ل. احمدزی



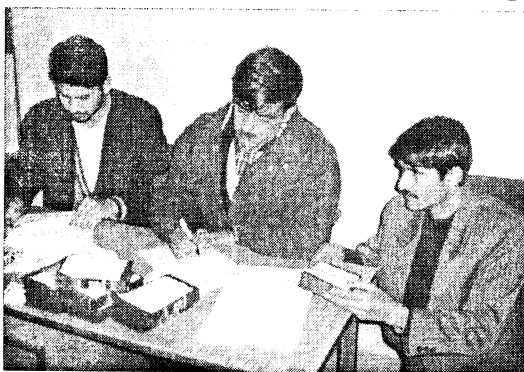
شپي تر ۹ بجو پوري کار کوي. کار کوي. دي وايي: کله داسی هم پیني پری چی همکاران دورخی په گډون د شپي لخوا هم په شعباتو کی په

ده وویل هغه خبرونه چی د باختر له اژانس څخه رادیو ته راخی د تیپ پر مهال پکی زیاتره حرفونه له لیکلو پاتی کیږی چی دویاند لپاره په مستقیم نشر کی د هغو لوستل ډیر ستونزمن تمامیږی دی. وایی: بلسه ستونزه داده هغه ویاندویان چی په راهیو کی پرویاندویسی مکلف دی دنو کړیوالی په شپه اړ دی چی هم په تلوویزیون کی خبرونه ولولی او هم په راهیو کی چی داله یوی خوا د وخت د

کار بوخت وي. بناغلی صدیقی وایی مونږ زیاتره خبرونه د باختر له اطلاعاتی اژانس څخه تر لاسه کوو کله چی خبرونه د اژانس څخه مونږ ته رارسپیږی نو زمونږ سلاکار بورډ هغه سم او د اهمیت له مخی یی درجه بندی کوی او له هغه وروسته یی ویاند ته ورکوی ترڅو ویی لولی.

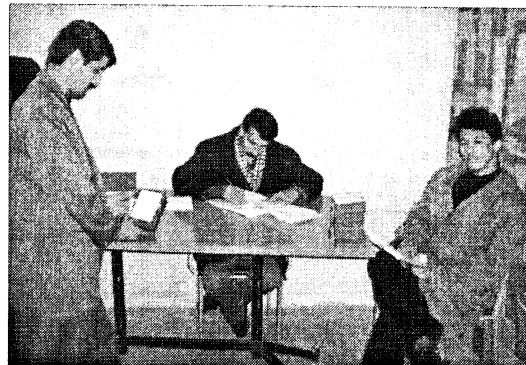
د افغانستان تلوویزیون له مهمو څانگو یوه هم د اطلاعاتو شعبه ده چی د خبر راوړلوو رپوټ جوړولو او د پروگرامونو د خپرولو دنده په غاړه لری.

د تلوویزیون د اطلاعاتو د څانگی مدیر بناغلی عبدالباقی وایی چی دغی اداری په دوو څانگو یعنی د خبرونو په مدیریت او د راپور تاژونو په مدیریت ونو کی شاوخوا ۱۸ تنه ژورنالستان دنده ترسره کوی او دوی معمولاً د سهار له اتو بجو څخه د

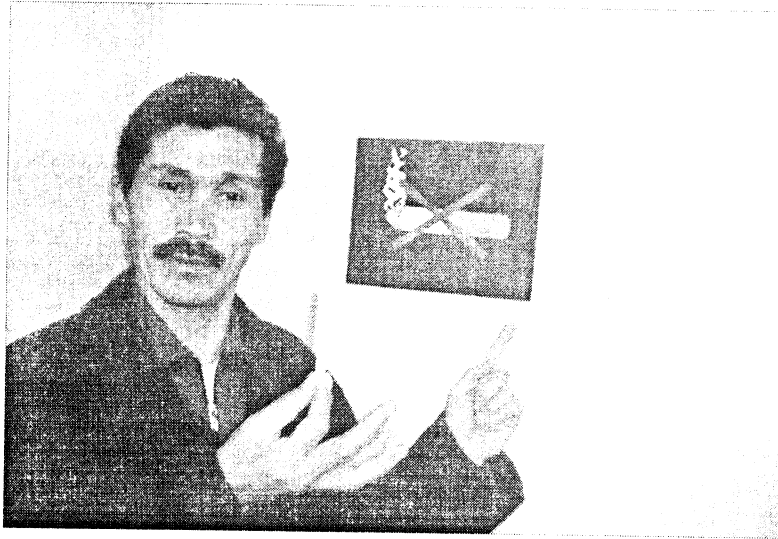


نشتوالی او له بل پلوه په متن کی د اشتباهاتو له کبله ویاندویان د نشر پر مهال له ستونزو سره مخامخ کوی. هغه له اړوندو چارواکو غوښتنه کوله چی د راهیو او تلوویزیون ویاندویان د سره جلا کړای شی ترڅو د نومړی ستونزی په له مینځه وړلو کی یو څه مرسته شویوی.

د تلوویزیون د اطلاعاتو د ادارای مدیر بناغلی عبدالباقی صدیقی وایی: که څه هم لویی او له مسولیته ډکی دندی د همدی اداری په غاړه دی خوبیا هم په کاری بهیر کی سختی او درنی ستونزی لری.



# سقا و سیریاں بلبل



اعتیاد به مواد مخدر یک پدیده شومی است که جوانان و به خصوص نوجوانان را به کام نیستی و بدبختی سوق داده و شیرازه زندگی شان را از هم می پاشد. به منظور جلو گیری و معتاد شدن جوانان به مواد مخدر ارگان های مختلف دولتی و نهاد های اجتماعی از طرق مختلف در باره اضرار مواد مخدر تبلیغات را به نشر می سپارند که از آن جمله یکی هم اداره تولید فیلم های داستانی و مستند ریاست عمومی رادیو تلویزیون میباشد که از طریق تهیه و نشر فیلم های خوب تربیتی و آموزنده خدماتی شایانی را در این راستا ایفا نموده اند که میتوان به طور نمونه از قسمت های اول، دوم و سوم فیلم آموزده و کمیدی (بلبل) که توسط کارگردانان موفق و مستعد رادیو تلویزیون نبی تنها و صبور خنجی تهیه و بدست نشر سپاریده شده یاد کرد. اخیراً همین دو کارگردان موفق مصروف تهیه و شوتنگ قسمت چهارم فیلم

کان محترم مجله آواز معلومات داده و بگویند سناریو فیلم از کیست و کارگردانی فیلم بدوش کی میباشد؟  
جواب: اولاً از تشریف آوری تان به ساحه شوتنگ فیلم در ولسوالی استالف قلیا سیاس گزاریم و یک جهان تشکر.

بلبل در ولسوالی زیبای استالف هستندخواستم مصاحبه نی داشته باشیم با ایشان که توجه تان را بدان معطوف میداریم.  
سوال: خوب محترم نبی تنها لطف نمود، در باره شوتنگ قسمت چارم فیلم بلبل به خواننده

در جواب سوال تان باید گفت: کار شوتنگ قسمت چارم فیلم (بلبل) تقریباً (۸۵) هشتاد و پنج فیصد تکمیل شده سناریو فیلم از خودم میباشد و کارگردانی فیلم را مشترکاً با صبور خنجی به پیش میبرم سوزہ سناریو فیلم بلبل روی اضرار مواد مخدر در جامعه به خصوص تاثیر آن بالای قشر جوان کشور میچرخد چنانچه هموطنان ما شاید قسمت های اول و دوم فیلم که به طور نمایشنامه ترتیب شده که کرکتر مرکزی یعنی بلبل با رفقایش چون به مواد مخدر معتاد اند از آنها هیچ نوع کار ساخته





جواب: تشکر از شما در باره هنر مندان و کرکتر ها باید بگویم که: نبی تنها در نقش بلبل برشنا بهار در نقش گلچهره فقیر محمد قوی دل در نقش غفار کرکتر منفی مقابل بلبل خودم در نقش ملک قریه پائین اسد الله آرام ملک قریه بالا و به همین ترتیب انیسه و هاب پروین مشتعل، زرغونه آرام، آصف جلالی صدیق دره بی و داود طوفان هر کدام نقش های بخصوص خود را دارند که فلمبرداری آن بدوش قاسم جان نیکزاد و در بخش نور پردازی قسیم اکبری و در بخش تخنیکی رفیع الله جان به ما همکاری دارند.



وی همچنان افزود: در قسمت میکاژ و لباس هنر مندان باید بگویم تا حال که بیش از هشتاد و پنج فیصد فلم ماشوتنگ شده کدام میکاژور بخصوصی نداریم و لباس را نیز خود هنر مندان تهیه مینمایند که در این عرصه به مشکلات مواجه هستیم و در قسمت مسایل پولی و ترانسپورتیشن بر علاوه ریاست عمومی رادیو تلویزیون محترم صدیق برمک یک اندازه پولی نقد را جهت تهیه فلم در اختیار ما قرار داده اند که از ایشان اظهار سپاس میکنم و همچنان از جنرال صاحب بایه جان که از نگاه امنیتی همراهی ما همکاری دایمی دارند سپاس گذاریم.

میچرخد مورد استقبال بیش از نود فیصد مردم قرار گرفت و همین تشویق مردم هنر دوست ما بود که به ما جرأت بخشید تا قسمت های بعدی فلم بلبل را نیز تکمیل نماییم صرف ده فیصد مردم از خود مخالفت نشان دادند که یا معتاد به مواد مخدر اند و یا به نوع از آنها منافع شان در خطر است چنانچه چندین بار با جوانان بر خورده ام که با بسیار خشونت گفتند: چی کردی او نا جوان تو همراه این فلم بلبل ات ما را در خانه و کوچه رسوا و ریشخند کردی. سوال: خوب صبور جان خنجی شما لطف نموده در باره کرکتر ها و هنر مندان که در این قسمت فلم نقش دارند معلومات بدهید؟

نیست تا اینکه در مسابقات رسمان کشی با جوانان قریه بالا بازنده میشوند و در قسمت سوم فلم تصمیم میگیرند که از مواد مخدر دوری کنند و به ورزش رو بیاورند تا افراد سالم و بدرد خور به قریه و جامعه شوند چنانچه همانطور نیز میشود.

آقای تنها چنانچه از گفته های شما معلوم میشود بلبل یا کرکتر مرکزی فلم شما دیگر شخص معتاد نیست؟

جواب: بلی درست فرمودید بر علاوه اینکه کرکتر مرکزی دیگر شخص معتاد نیست نظر به کار های شایسته که میکند دختر ملک قریه بالا به اسم گل چهره بالای بلبل که یک شخص معلول است عاشق میشود و بعد از بعضی بر خورد های ناسالم جوانان قریه بالا که در رأس آن کرکتر منفی یعنی غفار قرار دارد باعث در گیری وزد و خورد میشود که این قسمت فلم خود دارای یک پیامی بسیار خوب وار زنده نیز می باشد.

سوال: شما که در فلم بلبل نقش مرکزی را به عهده دارید یا چی نوع بر خورد های مواجه شدید یا بهتر بگویم چی نوع خاطراتی از کار های تان دارید؟

جواب: چون فلم بلبل روی یک نکته اساسی و مهمی که عبارت از اضرار مواد مخدر است



# د لندې

د انځور، ویدنا، (ویدنا)

اشعار نه یواځې له عربي عروضو څخه بې نیازه دی بلکه د سیلابی سیستم په اساس ځانته عروض لری لومړی برخه یی لنډه (۹) سیلابه او دوهمه برخه یی اوږده (۱۳) سیلابه لری.

د دی اشعارو یو بل څرگنده خصوصیت دادی چی زیاتره پکی د بنځی لخوا نارینه وو ته خطاب وی او ځنگه چی د بنځی احساسات تر نارینه وو موثر اغیزناک او خوندور ږغ لری نو په لنډیو کی یی هم تر نورو اشعارو خوند او اغیزه زیاته محسوسیږی.

همداشان هره یوه لنډی د ملی موسیقی یو داسی نوټ بللی شو چی پر بیلابیلو طرزونو او اهنګونو باندي ږغول کیدای شی هم د رزم هم د بزم هم د حضرهم د سفرهم د ناستی هم د غم او هم د خوښی له هر راز حالاتو سره سمون خوری یعنی هره یوه لنډی د ملی موسقی پر ډول ډول اهنګونو او وزنونو باندي ږغولای شو له نور تفصیل پرته به د بیلګی په توګه د لنډیو څو نمونی دلته راوړو.

لنډی هغه اشعار دی چی شاعران یی په ټولنه کی په پوره ډول معروف ویا هم ښکاره ندی او د هر حساس پښتانه او حساسی پښتنی د احساساتو هندازه بلل کیدای شی.

د پښتو په غرو او رغو، کلیو او ښارو، شنودرو او لویو د بنتو کی د ولاړی کیږدی اړخ ته د شپانه په شپیلی او د ښوال په نی او بالاخره د پښتنی خاوری په هر ګوټ کی له دی اشعارو څخه په یو شان خوند اخستل کیږی.

زړه یی د ځوانی په یاد وایی ځلمیان او پیغلی یی د خپل زلمیتوب او پیغلتوب شور او مستی پکی لټوی. مینانو ته دراز او نیاز روییاری کوی، توریان ورسره د تورو په میدان کی ګډیږی او پردیسان په پردیسی کی د خپل وطن مینه پری تازه کوی.

دا اشعار څومره چی ډیر ساده سلیس او روان دی هغو مره د پردیو ژبو له اغیزو څخه هم پاک دی. د دیوانونو اشعار که د عربي عروضو تابع دی خودا



# پيژند كملوې

## د پردیسی په وخت کی:

سبابه کانی بـوتی ژاړی  
چی یو اشنا له بله اخلی رخصتونه  
مسافر د روزی مه شه  
زه د په سپینه خوله بـیـده پرینی یمه  
جانان می خـی په مخ د بـه شـی  
زړه یی زما په زلفو بند دی رابشینه  
گل می په لاس کی مـراوی کیږي  
پردی وطن دی زه یی چاته ونیسـمه

## د سپرلی په وخت:

سبابه بیا گدی بارپړی  
د دبتو گلان به ستالمنه بویونه  
پاس په کمره ولاړه گلـه  
نصیب د چایی او به زه د خیر وومه  
بورا به خدای په گلو مور کړی  
با غوانه ستا نیمگړی نیت می ژړوینه  
ستا به د گلانو دروان تیرشی  
زما به پاتی شی د زړه نوی داغونه

## د توری په وخت کی:

که په میوند کی شهید نشـوی  
خدا پرو لالیه بی ننکی له د ساتینه  
چی توره نکړو نو بـه شه کړو  
چی موشـیدی د پښتنی رودلی دینه  
که تور اور بـل می میرا تیري  
د وطن جنگ دی جانان نه منع کوومه  
جانان می سـر په وطن کیښود  
په تار د زلفو بـه کفن ورته گندمه

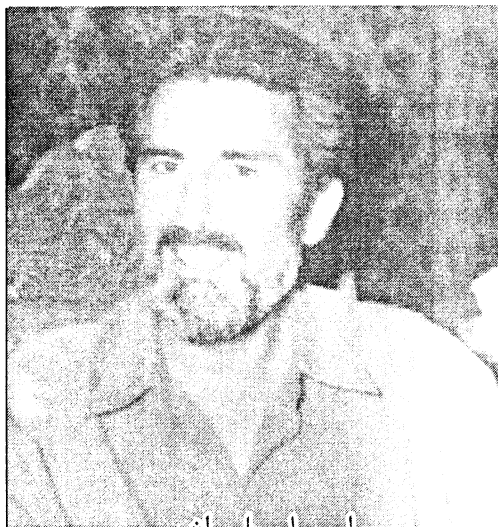
## د بیلنا په وخت کی:

په تا بـه کوم وطن رنـاوی  
زه د هجران په ترور می کی ناسـته یم  
زه د پـسـرلی تر گل تازه وم  
ستا په بیلتون کی لکه پانه ژیره شومه  
زه هماغه مسـر ته لیلا یم  
که رنگ می ژیر دی له اشنا نه بیله یمه



## فلم های

# مستند و داستانی



اسماعیل ازیر

ارزش ها هدایت جامعه به سوی فلاح و پیام به آینده گان شناخت و بهره گیری دقیق از فرصت ها سعی بلیغ مبذول دارند.

اینکه اداره فلم های مستند و داستانی در این راستا چه فعالیت های داشته اند راهی اداره آمریت فلم مستند و داستانی می شویم و مصاحبه انجام میدهم با محترم اسماعیل ازیر مدیر اداره مذکور. که وی در جواب پرسش ما اینکه اداره فلم های مستند و داستانی چه زمانی به فعالیت آغاز نموده و تا کنون چه فعالیت های داشته اند.

گفت: بعد از سقوط حکمرانی طالبان و به روی کار آمدن دولت موقت و انتقالی اداره فلم های داستانی و مستند آغاز بکار نموده و توانستند در طی مدت بسیار کم دو فلم که اولی بنام میرک که سناریوی آنرا خودم نوشتم به کارگردانی محترم بهرام بریال فلمبردار آن قاسم نیکزاد و فلم دومی بنام زمین داغ به کارگردانی محترم امین رحیمی و فلمبرداری عظیم روف و سناریست آن خودم بودم تهیه و از طریق تلویزیون به دست نشر سپرده شد که استقبال این دو فلم بنیدگان رهگشای روزنه امیدی بود برای تهیه فلم های دیگر.

سوال: فعلاً چه روی دست دارید؟

خوانندگان گرامی! در آغاز قرن بیستم هنر سینما به قدرت مقاومی وارد عرصه زندگی بشر گردیده و همراه با پیشرفت علم به مقتضای احوال دستخوش تحولات شگرفی گردیده و امروز هنر سینما چنان با زندگی انسان ها آمیخته که سینما و فلم با کیفیت عالی خودش مورد استقبال بیننده گان فلم اعم از داستانی و مستند قرار گرفت فلم مستند دارای این توانایی است که بیننده خودش را از قدرت تصویر و بیان غنی حرکات و ژست ها آگاه کند باید یاد آور شد که ساختن فلم بر اساس مجموعه تجربیات است که اهل ذوق و هنر کسب نموده که از آن میتوان عناصری از نمایش صحنه پردازی، گفتگوی حالات و حرکات، نور پردازی موسیقی و آهنگ قصه و ساختار آن روایت موضوع و شخصیت پردازی را یافت بنا گفته میتوانیم فلم مستند که عبارت از شکل هنری بیچیده ای که واقعیت در هسته آن و شیوه های بی نهایت گوناگونی وجود دارد که به وسیله آن مستند ساز میتواند به موضوع خود معنی بدهد و تماشاگر را در تحت تاثیر بیاورد.

فلم مستند معمولاً زاده بحران است یعنی هنگامی پدید می آید که روزگار سخت و احتیاج شدیدی احساس شود و در این روگذر افکار عمومی زمانی به این راه حل و زمانی به آن احتیاج پیدا مینماید و اما فلم داستانی و مستند دارای سوره بوده که میتوان آنرا نتیجه صحنه هایی که کارگران با در نظر داشت سیر منطقی داستان صحنه ها را پیوند میزد دانست فلم داستانی بیشتر روایتگر است اکنون در کشور ما که تمام ساخت های مادی و معنوی آن طی (۲۳) سال جنگ خانمانسوز تخریب گردیده و شرایط و امکانات زیادی از دست رفته بار مسولیت عناصر آگاه و دلسوز بخصوص فرهیختگان و دست اندر کاران را سنگین تر ساخته تا در این برهه اساس در جهت احیای





ما فعلا دو سریال را روی دست داریم که یکی آن بنام بلبل که سناریوی فیلم کارگردانی امرا محترم نبی تنه‌پایه عهده دارد و کار این سریال تقریباً رو به اتمام است، که عنقریب از طریق تلویزیون به نمایش گذاشته خواهد شد. و سریال دیگر که بنام میرک است به کارگردانی محترم بریال سناریوی آنرا نیز خودم نوشته ام قسمت اول میرک به نمایش گذاشته شده و قسمت های بعدی آن عنقریب تکمیل خواهد شد.

سوال: بر علاوه این دو سریال تهیه فلمی را روی دست دارید و یا خیر؟

جواب: فعلا ما مشغول فلمی هستیم بنام گمشده که موضوع آنرا قاچاق مواد مخدر و گمراه شدن جوانان است و کارگردان این فلم امین رحیمی و فلم بردار آن محترم عبدالستار هاشمی، در نقشها حشمت فنایی ایمل شکیب عظیم رهبان، جانان، میمونه غزال، رویا نقیب زاده نقش بازی نموده اند.

سوال: یک فلم چه زمانی خوب بوده میتواند؟

جواب: یک فلم خوب که اگر امکانات اقتصادی بهتری به دسترس فلمسازان قرار گیرد بدون شک بهترین فلم را تهیه و تولید خواهند کرد متأسفانه کارمندان این بخش با پول و حق الزحمه بر طبق لایحه کارمندان تلویزیون است کار میکنند اما اداره ما اگر از هنر پیشه های خارج از کارمندان تلویزیون تقاضا کنند به حق الزحمه کم حاضر نمیشوند که کار کنند هر گاه حق الزحمه کافی و خوب داده شود حتی از هنر مندان حرفوی با ما همکاری خواهند نمود. محترم امین رحیمی کارگردان فلم زمین داغ در رابطه به موضوع فلم فوق چنین گفتند. زمین داغ که بیانگر واقعیت های جامعه امروزی ماست برای

روشن ساختن اذهان مردم بر مبنای سناریوی محترم اسماعیل اژیر تهیه گردیده و موضوع آن زور و زور گوی حلقه حاکم و محکوم را نمایانگر بوده و افراد را که در قاچاق مواد مخدر رول دارند و باعث نابودی انسان ها میگردد به نمایش میگذارد.

محترم رحیمی فعلا مصروف تهیه کدام فلم هستید؟

جواب: فعلاً کار گردانی فلم گمشده را به عهده دارم که با دوستانم یکجا بر اساس سناریوی اسماعیل اژیر مصروف تهیه آن هستیم و امید داریم که عنقریب یک فلم خوب ساخته شود .



## عکس

آن روز ها هفت ساله بودم. هر روز که از راه می گذشتم، عکاس سالخورده بی را می دیدم که کمرهء رنگ و رو رفته اش را، در پیاده رو، نزدیک دیوار، گذاشته است و خودش هم روی زمین نشسته و چرت می زند. کمرهء او چیز صندوقچه مانندی بود که سه تا پایهء دراز داشت. در قسمت جلو این صندوقچه، سوراخ شیشه داری بود که همیشه با یک کلاه گک جرمی سیاه پوشیده می بود. رو به روی این سوراخ، دریچه بی قرار داشت و در طرف راست صندوقچه، پارچهء سیاه استین مانندی اویزان بود. گاه گاهی هم می دیدم که عکاس پیر کار می کند عکس کسی را می گرفت در چنین اوقات، مردی که می خواست عکسش گرفته شود، نزدیک دیوار، جلو پرده سیاهی، بر یک چوکی کهنهء چوبی می نشست. عکاس پیر، از آن روز نه، به داخل صندوقچه می نگرید. کلاه گک جرمی را از روی سوراخ شیشه دار می برداشت و در همین حال، به مردی که می خواست عکسش را بگیرد، می گفت: سرت را بلند بگیر... کمی پایین... نی نی، کمی بالا... دست مرا بین... خوب است. همین طور باش!

من، با شگفتی و حیرت، حرکت های او را می دیدم و سخن هایش را می شنیدم و با خودم می گفتم: در این صندوقچه چه خواهد بود؟ هر چه فکر می کردم، هیچ جوابی پیدا نمی توانستم و خیلی ارزو داشتم که بتوانم به درون پر از اسرار این صندوقچه نگاهی بیندازم. در واقع، اشتیاق سوزانی بود. وقتی چند لحظه بعد، می دیدم که عکاسی سالخورده کاغذ مرطوبی را بیرون می کشد و روی این کاغذ عکس مردی دیده می شد که چند دقیقه پیشتر در برابر آن سوراخ شیشه دار نشسته بود. حیرت و تعجبم سخت فزونی می گرفت و آن اشتیاق سوزان، سوزنده تر می شد. یک روز، پیش این عکاس پیر رفتم و پرسیدم: عکس مرا می گیری؟ عکاس پیر لبخندی زد سراپایم را نگرید و گفت: ها، می گیرم. گفتم: چند بدهم؟

پرسید: نیم تنه باشد یا سر تا پا؟ جواب دادم: سر تا پا. سر خط گفت: یک دانه باشد؟ گفتم: ها، یک دانه.

گفت: شش افغانی می شود. از آن روز به جمع کردن پول هایم شروع کردم. می خواستم که شش افغانی شود تا عکسم را بگیرم. روز ها آمدند و رفتند تا پول هایم به شش افغانی رسیدند. و آن روز، پول ها را در جیب کردم و رفتم به سراغ آن عکاس پیر. وقتی مرا دید، مثل این که منتظرم باشد، پرسید: خوب، آمدی؟

پول ها را به او دادم و گفتم: شش افغانی است. سکه ها را بی آن که بشمارد، در جیب کرد و گفت: یک عکس خوب ازت می گیرم.

بعد، به سوی پردهء سیاهی که بر دیوار اویزان بود، رفت و گفت: حالا بیا و این جا ایستاد شو!

جلو پرده سیاه ایستادم، عکاس پیر کلاه گک سیاه سوراخ شیشه دار را برداشت. بعد، از دریچهء عقب به درون صندوقچه نگرید. به سوراخ شیشه دار چشم دوخته بودم. مرغ شوق در دلم بر پر می زد. به سختی از خنده بی که در دلم می جوشید، جلو گیری می کردم در همین حال، به خودم می گفتم:

عکسم گرفته می شود... عکسم گرفته می شود!

صدای عکاس سالخورده را شنیدم که می گفت: به طرف چپ بین... نی... کمتر... طرف راست... یک ذره... بس!

فکر می کردم: این عکسم چگونه خواهد بود؟

عکاس پیر گفت: پاهایت را جفت کن!

دیگر نتوانستم از خنده جلو گیری کنم. لب هایم باز شدند.

عکاس پیر صدا کرد: خنده نکن!

لب هایم را روی هم فشردم تا از خندهء خودم جلو گیری

کنم. در حالی که به سوراخ شیشه دار چشم دوخته بودم، سخت می کوشیدم تا خنده ام را فرو خورم. باز هم صدای عکاس پیر را شنیدم: تکان نخوری! نفسم را در سینه حبس کردم و مثل مجسمه یی خشک و بی حرکت ماندم.

عکاس سالخورده چشمش را از دریچه برداشت و سوراخ شیشه دار را با کلاه گک چرمی بست. بعد، نزدیکم آمد و سراپایم را نگر بست و تکرار کرد: تکان نخوری!

یک بار دیگر خنده در دلم جوشید. برای این که جلو خنده ام را بگیرم، لب هایم را بیشتر روی هم فشردم. عکاس کلاه گک سیاه را از دریچه شیشه دار برداشت. سوراخ شیشه دار نمایان شد. سپس دو باره سوراخ را با کلاه گک چرمی بست و گفت: خلاص شد!

نفس راحتی کشیدم، دیگر خنده یی وجود نداشت. تنها اشتیاق دیدن عکس دلم را می سوخت. سر انجام، عکاس پیر عکس را در کاغذی پیچید و به دستم داد: این هم عکست!

عکس را گرفتم. چند قدم که دور تر رفتم، با عجله و شوق کاغذ را باز کردم و عکس را دیدم. بی اختیار خنده ام گرفت. خودم بودم همه چیزش از من بود: چین دستار کوچک، بیزارهای ابگینی. خودم را دیدم که ایستاده ام. دستارم کمی بالا رفته بود و موهای بالای پیشانیم معلوم می شدند. مانند سر بازها راست ایستاده بودم، لب هایم را روی هم فشرده بودم. معلوم می شد که به سختی از خنده ام جلو گیری کرده ام. در این حال، در چشم هایم تعجب و حیرت موج می زد. چپم در تنم درازی می کرد و نوک های بیزارهایم وضع مضحکی داشتند. با این همه، از آن عکس خوشم آمد، از خودم خوشم آمد.

عکس را دو باره در کاغذ پیچیدم و در جیب چپم که مادرم دوخته بود، گذاشتم. دویدم که بروم و به مادرم نشانش بدهم. به خانه که رسیدم، به مادر گفتم: امین عکس خودم را گرفتم! مادرم گفت: بده که بینم. دست در جیب چپم کردم. و ناگهان، دلم فرو ریخت. شاید هم رنگم پرید. عکس در جیبم نبود. جایی افتاده بود. گمش کرده بودم.

مادرم پرسید: چرا... چه شد؟ بی آن که چیزی بگویم، به سوی کوچه دویدم. راهی را که آمده بودم، چندین بار جستجو کردم. اما عکس را نیافتم. از عکس هیچ اثری نبود. عکس قشنگم از دست رفته بود. به

خانه که باز گشتم، بغضم ترکید و گریه تلخی را سر دادم. مادرم کوشید آرامم سازد، ولی دلا سایی های او نمی توانستند اندوه بزرگ آن فاجعه را کاهش دهند.

بعد از چاشت بود و من با آن غم عظیم خودم نشستیم. بودم که ما مایم آمد. وقتی علت سوگ و ماتم مرا فهمید، گفت: پروا ندارد... برویم، همین حالا یک عکس دیگر می گیریم!

مادرم سرم را شانه زد. لباس پاکیزه ام را پوشانید. کلاه قره قلیم را بر سرم گذاشت. ما مایم دستم را گرفت و برد که عکس را بگیرد. پیش آن عکاس پیر نرفت. گفت: عکس برقی می گیریم!

به عکاسخانه مجللی رفتیم. عکاس جوانی برق ها را روشن کرد و عکس را گرفت.

دو روز بعد، ما مایم عکس را آورد. دیدمش. خودم بودم. آراسته و پاکیزه. با کلاه قره قلی. و اما، این عکس هیچ چنگی به دلم نزد. کیف و لذت آن عکس گم شده را نداشت. حسرت آن عکس چون داغی بر دلم باقی ماند. سال ها گذشته عکس های زیادی گرفتم. اما هیچ کدام از این

عکس ها، مثل آن عکس اولین به نظرم زیبا و دوست داشتنی نبود. هنگامی که آخرین سال مکتب را می خواندم، یک روز در مجله یی چشمم به عکس افتاد. تکان خوردم.

عکس خودم بود، همان نخستین عکسم که گمش کرده بودم. پسر خرد سالی بود که مانند سربازان راست ایستاده بود. چپش در تنش درازی می کرد. در دستار کوچکش بس رفته بود و موهای سیاه بالای پیشانیش دیده می شدند. نوک های برگشته بیزارهای ابگینیش وضع مضحکی داشتند.

پسر خرد سال لب هایم را بر هم فشرده بود و می کوشید تا از خنده اش جلو گیری کند. در این حال، گونه هایم پندیده به نظر می آمدند و در چشم هایم حیرت و شوق عظیمی موج می زد. خودم را دیدم. آن گذشته های خودم را دیدم. بردلم اندوهی سایه افکند. شاید لبخند تلخی بر لب هایم نقش بست. شاید گذشت پر شتاب عمر را متوجه شدم.

بالای عکس نوشته بودند: عکس جالب هفته. و در زیر عکس این کلمه ها را خواندم: روستایی بچه خوشحال.

و بی اختیار در ذهنم گشت: آن عکاس پیر کجاست... آیا زنده هست؟ و نمی دانم که این عکس محبوب خرد سالی های من، چگونه به آن مجله رسیده بود. اما، این ورق مجله را نگه داشته ام و هر بار که آن را می بینم، حسرت و اندوهی بردلم می نشیند.

# گنجینه ادب

## حکایاتی از متون کهن:

### موج غلطان

من چون موج غلطان و تو چون  
ستاره درخشان  
هر جا میروم ترا در سینه دارم

پادشاهی پارسایی را گفت هیچ ات از ما یاد میاید.  
گفت بلی وقتی که خداوند را فراموش میکنم.

\*\*\*

درویشی را ضرورتی پیش آمد کسی گفت فلان نعمتی دارد  
بی قیاس اگر بر حاجت تو واقف گردد همانا که در قضای آن  
توقف روا نداردی.  
گفت من او را ندانم؟

### کتاب زنده گی

زنده گی ماهر کدام کتابهایست با تالیف خود ما  
هر روز ورقی از صفحه آن کنار زده میشود و عملکرد  
ما بروی آن حک میشود  
آیا در تالیف من چه مواردی باچه عناوینی درج گردیده  
شاید همه بدانند جز خودم

گفت منت رهبری کنم دست گرفت تا به منزل آن شخص در  
آورد یک را دید لب فروهشته و تند نشسته بر گشت و سخن  
نگفت کسی گفتش چه کردی گفت عطای او را به لقای او  
بخشیدم.

### راز و نیاز

من با خدا دو چیز را میگویم

یکی رازم را

و دیگر نیازم را

زیرا داد گر اوست

### پسین دمان!

وقتی مردم از این بپرسید که چرا مرد  
زیرا مرگ حق است از این بپرسید که:  
آیا در واپسین دمان زیستن کسی بر بالینش  
بود؟





# چهره ها و آرزوها



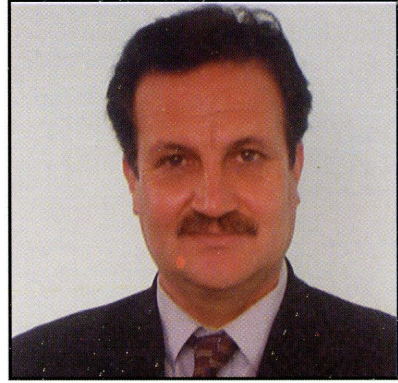
احمد زکفر (احمدی) انانسر تلویزیون:

بگذارند دیگر جنگ نباشد ظلم و ستم واسطه و رشوه خوری نباشد تا دولت و حکومت نظم و دسپلین را تامین نموده زمینه کار و تعلیم را برای اطفال و جوانان و کافه ملت فراهم سازد.



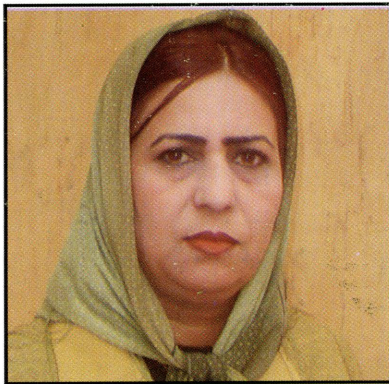
پروین (ایوبی) پرودوسر و کمره مین برنامه آینده سازان:

یگانه آرزویم ترقی و تعالی وطنم افغانستان است و در قدم بعدی میخوام یکی از فلم سازان نام دار و پر آوازه کشور خود در آینده گردم.



یحیی (حیرت) گوینده و تهیه کننده مجله تلویزیونی:

منحیث یک ژورنالیست تلویزیون آرزو دارم از این که تلویزیون افغانستان به نام تلویزیون ملی افغانستان مسمی گردیده، انعکاس دهنده خواست ها و مشکلات تمام ملیت های افغانستان باشد.



شاکره (شمس) دایرکتر برنامه شب و شعر و قصه تلویزیون:

به مثابه یک مادر آرزو دارم اولاد هابیم بازبور علم و دانش آراسته باشند تا بتوانند مصدر خدمت به میهن و هم میهنان خویش گردند.



عبدالصمد (رزاقی) پردیوسر برنامه ورزش خارجی:

یگانه آرزویم خدمت به مردم و وطن عزیزم می باشد و می خواهم مردم بخصوص طبقه جوان صحتمند تن درست و پر نشاط باشند تا در اعمار وطن عزیز ما سهم فعال بگیرند.



محترمه افغانی (عزیزی) کارمند اداره فلمهای داستانی و مستند:

آرزو یگانه من تامین زندگی مردم رنج دیده و بی سرپناه افغانستان و ایجاد شرایط بهتر زندگی مردمان آواره و جنگ دیده می باشد.



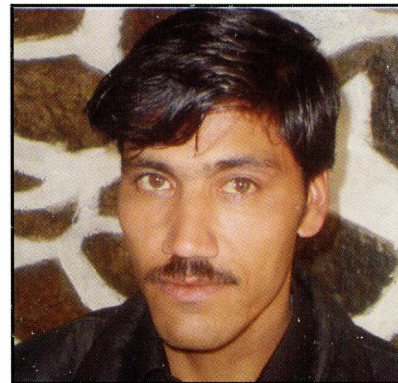
احمد محسن (اکبر زاد) کارمند اداره روزنه تلویزیون:

آرزو دارم صداقت و راستی محور اصلی و اساسی زندگی مردم گردد از ریا و فریبکاری دوری گزینند تا صادقانه مصدر خدمت به مردم و کشور خویش گردیم.



لونا (روفا) معاون داکتر و یکی از شاملین کورس نطقی رادیو تلویزیون:

نظر به شوق و علاقه ای که به فن گویندگی داشتم با سپری نمودن موقفانه امتحان شامل کورس نطقی رادیو تلویزیون گردیدم و آرزو دارم در آینده یکی از گوینده گان موفق رادیو تلویزیون گردم.



بریالی (رحمانی) عضو مدیریت تهیه و تدارکات:

آرزو دارم کیوتر سفید صلح برای همیشه در فضای نیلگون وطن عزیز ما در پرواز باشد و هموطنان ما بتوانند با خاطر آرام در اعمار وطن مخروبه و جنگ زده خود سهم فعال بگیرند.

# آواز



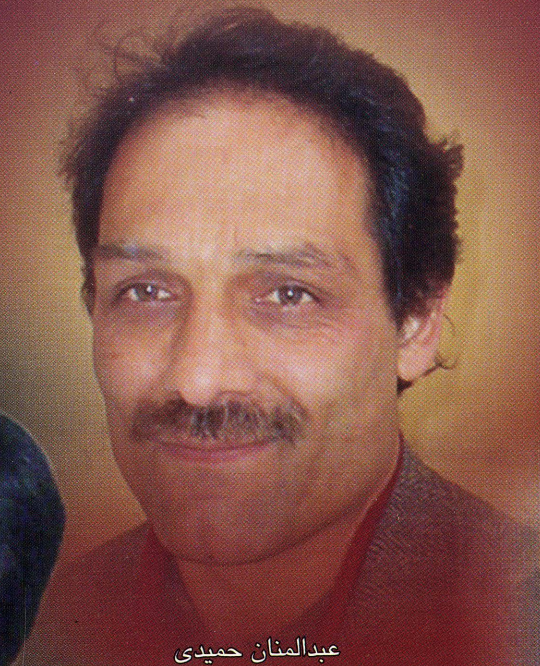
شریفہ زرمنتی وردگ



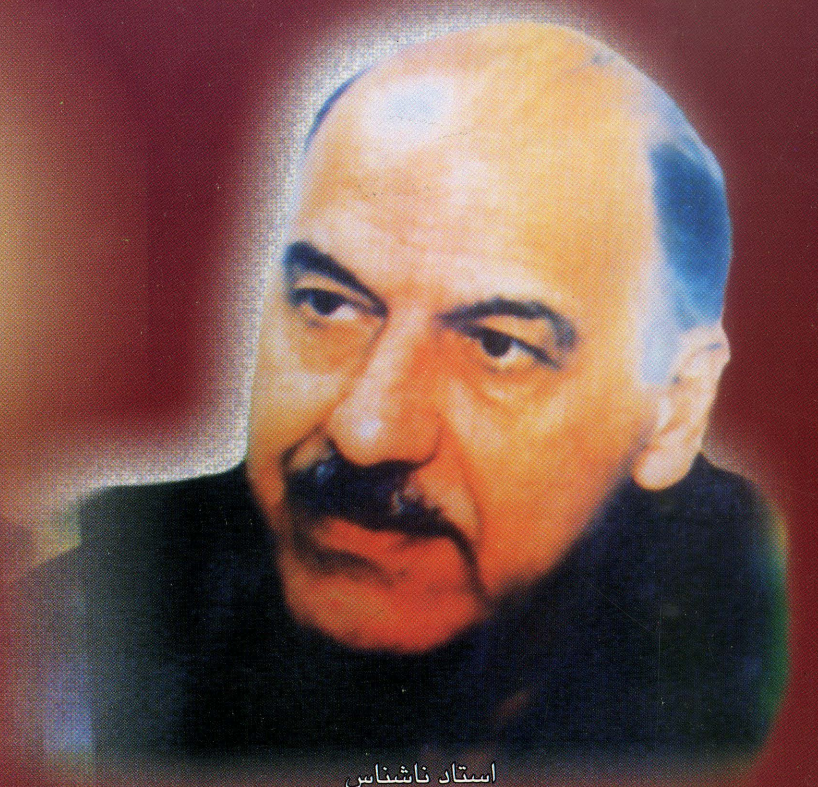
سلطان احمد ہماہنگ



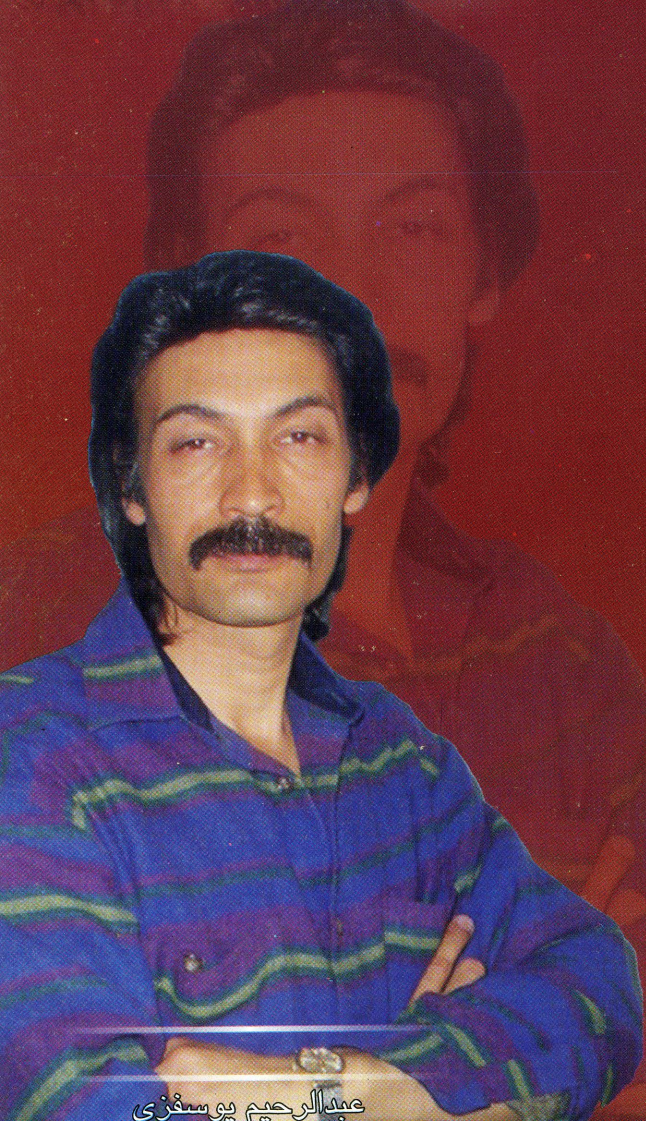
جان آقا کوزی



عبدالمنان حمیدی



استاد ناشناس



عبدالرحیم یوسفزی



رویہ تھیب زادہ



عبدالغنی مدقق



ہما

# ہذری الپیوم

# چهره ها و آرزوها



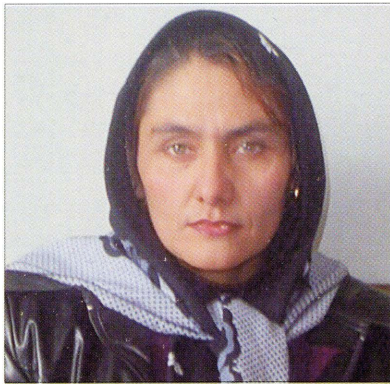
احمد شفیق (مهمند) پردیوس برنامه سینما: یگانه آرزوی من خدمت به مردم و وطن جنگ دیده ام افغانستان عزیز است و می خواهم از طریق تهیه و ترتیب برنامه های خوب و دیدنی مصدر خدمت بهتر به هموطنان خویش گردم.



انیسه (امیری) مدیر تهیه داخلی ریاست رادیو تلویزیون: آرزو دارم که در وطن عزیز ما صلح کامل رو نما گردد زیرا برقراری صلح و آرامش آزادی را به ارمان می آورد. اما باید متوجه بود که آزادی حقیقی آن نیست که هر چی بخواهیم انجام دهیم بلکه آن است آنچه حق داریم آنرا انجام دهیم.



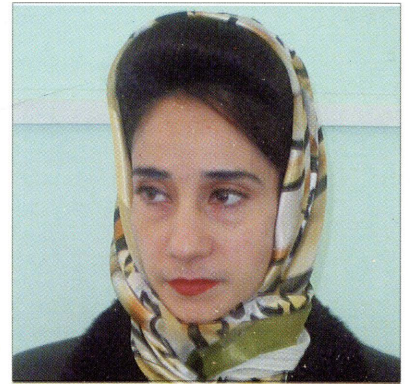
احمد شاپور (خانزاده) خبرنگار تلویزیون ولایات: یگانه آرزوی من برقراری صلح و امنیت در کشور و بعداً سپردن کار به اهل کار است تا باشد از یکسو از نیروی جوانان مسلکی و تحصیل کرده استفاده به عمل آید و از سوی دیگر وطن عزیز ما به اوج ترقی خود نایل گردد.



خاتول (احمد زی) عضو اداره آمریت پلان رادیو تلویزیون: یگانه آرزویم تأمین صلح و امنیت در سر تا سر افغانستان و محو بیسوادی و فقر در کشور است.



عبدالله (فروتن) گوینده برنامه های ادبی تلویزیون: یگانه آرزویم این است تا آخرین فرد وطن عزیزم از نعمت سواد و دانش بهره مند گردد تا روشنایی و نور بر ظلمت و تاریکی چیره گردد.



غیفه (ساکب) پردیوس اداره هنر و ادبیات تلویزیون: آرزو می کنم هر چه انسان است آینه دلش پاک از زنگار حسد کینه کوتاه نظری و کیج اندیشی باشد چون هر که دیده دل را لاهد وجودش منع برکت و فیض می شود و حضورش قابل پذیرش در جامعه



عبدالوهاب (علیزی) گزارشگر رادیو تلویزیون: آرزویم برقراری صلح دائمی، احقاق حقوق همه ملیت ها، تطبیق قانون اساسی، بلند رفتن سطح آگاهی عامه باسواد شدن زن و مرد در کشور عزیز ما افغانستان است.



حبیبه مدیر تحریرات ریاست فرستنده ها: آرزو دارم به صفت یک کارمند دولت مصدر خدمت شایان در پیشرفت و ترقی وطن عزیزم مردم و منحصیث یک مادر وظیفه و رسالت خود میدانم تا اولاد هایم را بصورت درست تربیه و با کرکتر عالی تقدیم جامعه نمایم.



محمد آصف (نوروزی) دایر کتر برنامه پر طاوس: آرزو دارم وطن عزیزم هر چه زود تر باز سازی گردد تا دیگر نشانه های از جنگ ویرانگر در وطن ما نمودار نباشد و شرایط زندگی بهتر برای اولاد این وطن فراهم گردد.



## با آشنا

من نور را در ظلمت شناختم  
و تو را در برگ‌های گل انجیر  
کوشساران را در نور دیدم  
گیانان نایاب در شهر را شناختم  
از هر کدام، دانه یی به سینه نشاندیم  
و در قمار دیدم  
روزها و شبها را  
به زمان باختیم  
با امید تابناک  
در جنگلها

با درختان آفتاب ندیده سخن گفتیم  
هر کدام شاخه یی به من هدیه کرد  
و من جنگلی شدم که نگاهت در آن  
تصویری بود راز ناک  
عذاش صحبتت در من شعله جستجو می افروخت  
من دشتها راه تنها پیرودم  
عالمزاور سبز بودن را  
از شیره های اسپان وحشی دریانتم  
که قامت تو را به نیایشی گرفته بودند  
و باران حروف نامت را  
به کوهکان دشت می بارید  
و من نامت را از باران آموختم که در واژه نمی  
گنجید  
آهای! آشنا

که پیرهنم را با رشته های فردی عتیق  
مرا در خود پیچیده ای  
واژه آوازهت سرودی ناشنیده را می توان شنید

که خدا را می شناساند  
از آن سان که بهار را با پرستو و محبت را با ماهر  
مرا با تو پیوندی ست!  
آهای!

مرا به تپه های شناسایی صدا کن  
و پیاله ام را از شراب اندیشه های پاک پر کن  
تا دریاچه های روشن اسرار  
با نجابت وحشی اسپها  
تو را آبیاری کنیم

داکتر جهانگیر (ورست)

## مسافر

زه هر سهار،  
هره غرمه،  
هر مازیکر او مانبام  
دفیل انگ په وره کی  
مخ په قبله ودریم  
هر لاروی ته آشنا  
ستا له پاره  
په لپو لپو تل دعاء کومه  
او وایم لویه فدایه؟!  
هر مسافر هر لاروی سره  
ته مرسته وکړې  
دوی ته دعاوې کوم  
مکه زه هم د زړه له بناره وتی  
یو مسافر لرمه  
فدایه تر کوره یې کړې!

صفیه "صدیقی"

## زل

جانانه که نه بی ستا یادونه راسره دی  
 داو بنکو په سیلاب کی مه شیبه شیبه دو بیرم  
 منزل دتورو شیو کی مشالونه راسره دی  
 یوزه نه یم چی سوخم ستا دهجر په لمبو کی  
 پرما ته بیپی خوخم توفانونه راسره دی  
 غوتی به دخندا چیری زما په شونهو گل شی  
 دسوی زپه په کور کی پرها رونه راسره دی  
 پسرلی می وژل شوی خزانونه راسره دی  
 په سررو وینو لپلی می دردونه راسره دی  
 چی چی غمونه لپی لپی سپینی او بنکی  
 په ستونی کی می پاتی زخمی چیغی فریدونه  
 دسترگو په پنجره کی شوگیرونه راسره دی

ساقی لکه مستان را باندی خم دمیوتش کره

چی پاتی می په زپه کی ارمانونه راسره دی

کمال الدین (مستان)

دانسته ام که سینه دریدی درخت را

نا ازموده کوفته ای، میخ بخت را

اندو هگانه باغ به حسرت نشست و سوگ

با تن سرشت، پایه رعناي تخت را

بس تیغ حکم آخته ای بر گلوی برگ

تا پینه ها رقم زده ای رنگ رخت را

دیوار، چهار چوب کشیدی به دور آب

بنگر دمی به ایینه، ایین سخت را

با جلوه های هیمة و رقصی عصای داغ

دانسته ام که سینه دریدی درخت را

کبر معروف

عصای داغ



## شعری از هلالی چغتانی

اگر سودای عشق این است من دیوانه خواهم شد  
 چه جای آشنا کز خو بستن هم بیگانه خواهم شد  
 دمیدی یک فسون و زدست بردی صب و هوش من  
 خدا را ترک افسون کن که من افسانه خواهم شد  
 غم عشق ترا چون گنج در دل کرده ام پنهان  
 به این کنج نهانی ساکن ویرانه خواهم شد  
 شبی کز روی آشناک مجلس را بر افروزی  
 تو شمع جمع خواهی گشت و من پروانه خواهم شد  
 مرا گنج صلاح و خرقه تقوا نمی زیبد  
 گریبان چاک و رسوا جانب میخانه خواهم شد  
 دور آن لب میگون مجویمان زهد از من  
 سر پیمان ندارم بر سر پیمانه خواهم شد  
 هلالی من نه آن رندم که از مسی شوم بیخود  
 اگر بخود شوم زان نرگس مستانه خواهم شد

## نقش تبسم

سکوت آسمان و آه صحرا را تو میفهمی  
 شش کیب کوه را غوغای دریا را تو میفهمی  
 شب است و هیچکس آیین فردا را نمی فهمد  
 ولی آینه ها دست فردا را تو میفهمی  
 برای هر دلی از جنس تردید و سلام سرد  
 زبان گرم تلقین تمنا را تو میفهمی  
 کسی از دوش لب می افگند نقش تبسم را  
 و در لب خند او معنای سودا را تو میفهمی  
 و حالا خوب میفهمم که در عشقت شگردی است  
 غم دیوانه بی دست و بی پا را تو می فهمی

# د سوال لمنځی

تاچی په سړو گوتو د سره شال لمنه ونيوه      ما په تصور کی د یو خیال لمنه ونيوه

نور به لاتر دینه مینان خومره په اور سوزی      خیر دې وی بیا بنکلو د ویال لمنه ونيوه

زه کچکول د سترگو کی خیرات د بنکلا غواړمه      مردې شوم که چاته می د سوال لمنه ونيوه

مه کړه کبرجنی بیا به څه شی کبر بڼه نه دې      نمر دې که د حســــــن د زوال لمنه ونيوه

هسی دې خالونه ته له ســــنورونه کم نه گرم      تیک دې په اســــمان کی د هلال لمنه ونيوه

گل غوندي زرغون چی په کی ستاد زنی خال شو      سترگو مسی د غم د پشکال لمنه ونيوه

نه وایم نور نه وایم بس دومره قدرې وایمه      ستاد قال په مینه مسی د حال لمنه ونيوه

پروت به تر قیا مته لکه خاورې ستا په دریمه      اوس می که خدای کاندې د وصال لمنه ونيوه

پروت به تر قیا مته لکه خاورې ستا په دریمه

اوس می که خدای کاندې د وصال لمنه ونيوه

نصر الله حافظ

# بیدار

چون عیش گدایان بجهان سلطنتی نیست  
مجموع تراز ملک رضا مملکت نیست  
گر منزلتی هست کسی را مگر آنست  
کاندر نظر هیچ کسش منزلتی نیست  
هر کس صفتی دارد و رنگی و نشانی  
تو ترک صفت کن که از این به صفتی نیست  
پوشده کسی بینی فردای قیامت  
کامروز برهنه است و برو عاریتی نیست  
آنکس که در او معرفتی هست کدامست؟  
آنست که با هیچکس معرفتی نیست  
سنگی و گیاهی که در او خاصیتی هست  
از آدمی به که در او خاصیتی نیست  
درویش تو در مصلحت خویش چه دانی  
خوش باش گرت نیست که بیمصلحتی نیست  
آندوست نباشد که شکایت کند از دوست  
فریاد که بر حال کسش مرحمتی نیست  
آن عاشق مجروح ندانی که چه گفته است  
هر خون که دلارام بریزد دیتی نیست  
راه ادب آنست که سعدی به تو آموخت  
گر گوش بداری به از این ترتیبی نیست





# زما یواځنی هیله د خلکو مسکاده

د افغانستان له پلازمینې کابل څخه د خپريدونکي تلویزیون د په زړه پوری پخوانی کارکونکی بناغلی انجنیر خیر محمد چی د یو ویش کلونورا په دیخوا تردی دمه د کمره مین په حیث دنده تر سره کوی د ځانگړو صحانو او پروگرامونو په ثبتولو کی مهمه ونډه لری.

دده د ویناوو له مخی نوموړی د افغانستان در مرکزی تلویزیون تر

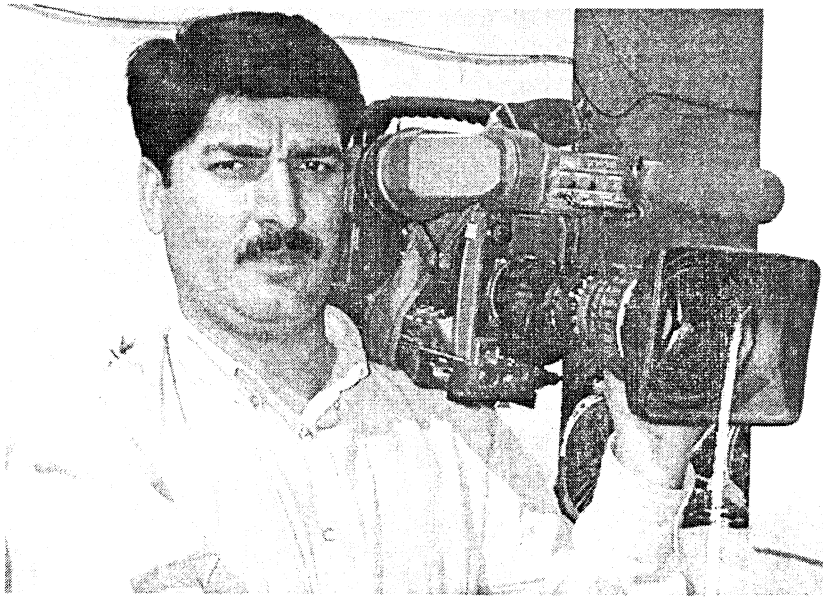
خو د بدخشان د ولایت د تلویزیون د دستگاه د درولو او فعالولو ویاړ هم ورسره دی.

انجنیر خیر محمد د پلازموینی کابل د تاریخی بنا د میخانیکي بنوونځی زده کړی د خپل په زړه پوری مسلک بنسټ بولی او وایی چی د خپلی لاری د څارلو په موخه می د تلویزیون د بنوونز انستیتوت زده کړی هم تر لاسه کړی. دی پدی کچه زده کړو په خپل کار کی په

بریالیتوب ډاډه کړ او دی ته یی و هڅاوه نور نو د عمل ډگر ته وررود انگی او له همدی لاری ټولنی ته د خدمت وړ وگرځی.

خو داچی په تلویزیون کی یی کار له کومی خانگی له کومی کچی را پیل کړی هغه د آواز مجلی سره په مخامخ مرکه کی داسی وویل: ما په ۱۳۶۲ کال کی د تلویزیون په گرځنده واحدونو (یونت های سیار) کی په کار پیل وکړ، دا و. بی. وان





په نامه د گرخنده سټیډيو هغو پروگرامونو کې چې د تلویزیون له سټیډيو بهر ثبتیدل هم ماپکې گډون درلود لکه: د کنفرانسونو، رسمی ناستو، د سندر غاړو د سند رولبسنگ او ځینې نور پروگرامونه. دی وایي زه د افغانستان یوزیات شمیر ولایتونو ته د راپور تاژونو او مرکو د فلم اخیستنې لپاره تللی يم او په ځانگړي ډول د ساعت با شما د پروگرام سره می دیره همکاري درلوده، دا پروگرام د ډیرو په زړه پورو او حیراوونکو صحنو د فلم اخیستلو مخکښ هم زه وم.

پوښتنه: پدی وروستيو کې د تلویزیون په سټیډيو گانو کې د جاپان هیواد له خوا د دیجیتال سیستم په کار او چول شول، آیا تاسو هم له وړاندې د دغه سیستم سره بلد تیا درلود له که نه؟

ځواب: د تلویزیون د انجنیرانو لپاره په همدې موخه یو لنډ مهاله بنوونیز کورس جوړ شو او خو موبدیری ستونزې درلودې ځکه چې دا سیستم په تلویزیون کې نوی

وه، نوموړې هم خپلې هڅې وکړې تر څو په لږه موده کې له دې سیستم سره ځانونه بلد کړي.

پوښتنه: تاسو د یوه پخوانی او تجربه لرونکی فلم اخیستونکی په توگه د هغو ځوانانو لپاره چې سمدلاسه په فلمبرداری لاس پورې کوي څه لارښوونې کوي؟

ځواب: تاسو له دې پوښتنې څخه مننه زه دغه راز کسانو ته دا ویل لرم تر څو دوی د ژورنالیزم پوهنځی او یا د تلویزیون تربیويو انستیتیوت زده کړې تر لاسه کړي او یا هم ځینې کورسونه چې د کمري او فلم اخیستلو په هکله وی خپلې زده کړې پکې وکړي او دا

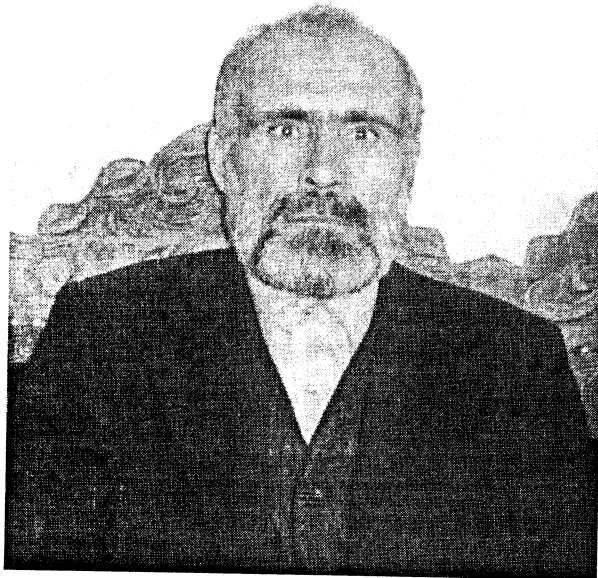
باید ووایم چې کمره مین باید د دیرې دقت خاوند وي، ښی او په زړه پوری صحنې او ښکلې منظرې او هغه څه چې د یوه پروگرام د روحی سره سمون ولري فلمبرداری کړي.

پوښتنه: تاسی که په پای کې د لوستونکو لپاره د خپل ژوند د هیلې په هکله څه ووایي، چې کومه ځانگړې هیله لری؟

ځواب: زما یواځنی هیله داده چې د کمري د لینز په واسطه خپل لیدونکی د خوشیو لپاره خوښ وساتم او زما یواځنی هیله د لیدونکو موسکاده.

# صدای هموطن

امد ضیا آرمان



پشه یی، ترکمنی، ازبکی و بلوچی از سر گرفته شد و بفعالیت نشراتی خود پرداخت و در سال ۱۳۸۳ برای نخستین بار نشرات زبان هزاره کی نیز شامل برنامه های صدای هموطن گردید که اکنون روزانه مدت سه ساعت به شش زبان افغانستان بطور منظم و نورمال در پهلوی سایر نشرات رادیو تلویزیون فعالیت دارد.

قابل گفتنی است که به اساس توجه پیگیری محترم غلام حسن حضرتی رئیس عمومی رادیو تلویزیون اداره هموطن که قبلاً در چوکات مدیریت عمومی قرار داشت در سال ۱۳۸۳ به آمریت و مدیریت عالی مستقل مربوط به هر بخش ارتقا نمود.

سرال برنامه های صدای هموطن شامل کدام مطالب و موضوعات است؟

نشرات صدای هموطن طبق گذشته علاوه بر نشر اخبار و وقایع مهم روز تبصره ها مصاحبه ها برنامه های مختلف اجتماعی، فرهنگی، دینی، ادبی، آموزشی و معلوماتی داشته و توام با آن آهنگ های شاد میهنی و ذوقی را به نشر می رساند.

فعالاً محترم عبدالمجید توران به صفت آمر اداره صدای هموطن و

رادیو افغانستان در قبال سایر نشرات خویش بزبان پشتو و دری اکنون به شش زبان رایج افغانستان تحت زیگنال صدای هموطن که نمایانگر وحدت ملی، برابری و برادری ملت های افغانستان است به نشرات خود آغاز نموده و روی موج متوسط ۱۱۰.۷ کیلوهرتز مطابق ۲۷۱ متر بند به طور مستقیم نشرات آن ادامه دارد. گزارشگر مجله آواز گفته و شنود را با محترم محمد زمان کلمانی مدیر عمومی نشرات پشه یی صدای هموطن انجام داده است که در رابطه به تاریخچه و روال نشراتی کنونی صدای هموطن چنین معلومات ارائه نموده.

نشرات صدای هموطن در قبال سایر برنامه های رادیو افغانستان در سال (۱۳۵۰) تحت نام پروگرام های محلی رادیو افغانستان شروع به فعالیت نشراتی نمود. ابتداء روزانه مدت یکساعت و پنج دقیقه بزبان ازبکی، ترکمنی، پشه یی، بلوچی اختصاص داده شده بود. در سال ۱۳۵۳ نظر به عوامل مختلف نشرات مذکور متوقف گردید. در سال ۱۳۵۷ دوری نشرات برنامه تحت نام ملیتهای برادر شروع و در سال ۱۳۶۰ برنامه نورستانی نیز به آن افزوده شد با وصف مشکلات تخنیکی بشکل وقفه یی، از نشر آن کاسته میشد اما با آنهم به نشرات خود ادامه داد.

در سال ۱۳۸۱ نشرات تحت نام صدای هموطن بزبانهای نورستانی،





محترمین عبدالاحد، بشیر احمد دوست، محمد زمان کلمانی، تاج الدین و لعل محمد مالستانی بالترتیب به صفت مدیران عمومی نشرات ترکمنی، بلوچی، پشه یی، نورستانی و هزاره گی ایفای وظیفه می نمایند و نیز غازی الدین گوهری، مولانا عبدالرزاق، محترمه جلیله که سرپرست مدیریت عمومی نشرات ازبکی نیز است فروزان، گلناره، محمد قادر هوتا و چمن علی از جمله پرودیوسران و گویندگان مجرب و پر تلاش این اداره می باشند.

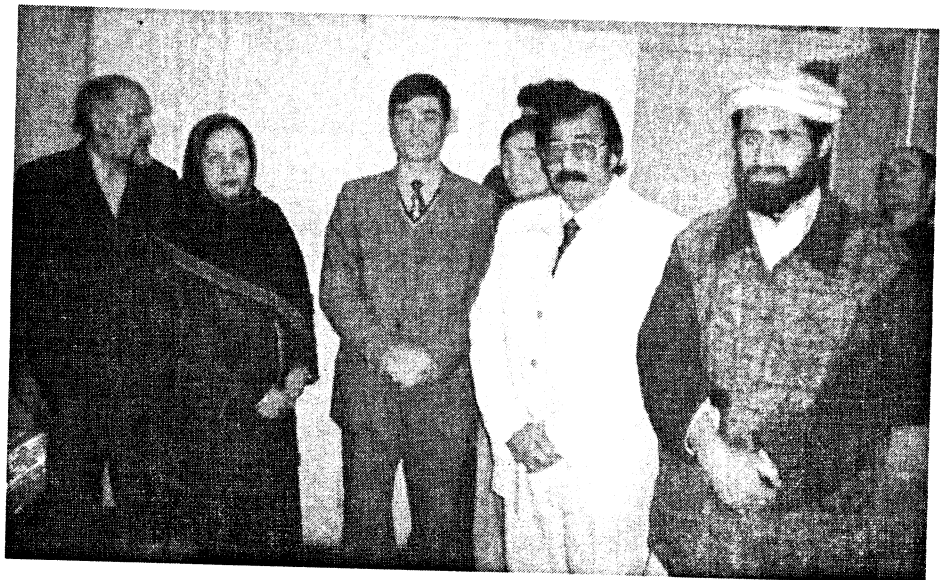
می نمایند.

کارمندان این اداره با کار و تلاش پیگیر و با پیشکش نمودن برنامه های مطابق به خواست و ذوق مردم توانسته اند توجه، علاقمندی و همکاری شنونده گان شان را به خود جلب نمایند که نامه ها و مطالب ارسالی شان که به اداره ما میرسد بهترین گواه این ادعای ماست.

این اداره علاوه بر نشرات فوق برنامه نوای هموطن که از طریق امواج رادیو کابل به نشر می رسد تهیه و پرودیوس نموده و نیز گاه گاهی در تهیه برنامه نوای کهسار اداره موسیقی تلویزیون همکاری

سوال اداره شما به کدام نوع مشکلات مواجه است؟ جواب: مشکلات عمده این اداره کمبود کادر های مسلکی نبودن وسایل تخنیکی، ترانسپورتی و امکانات مالی است ازینکه فعلاً معاش و امتیازات این اداره به تناسب کار پر مسوولیت آن خیلی ناچیز است کمتر کسانی حاضر به ایفای این وظیفه میگردند و نیز به نسبت نبودن امکانات لازم نمی توانیم به ولایات و محلات رفته و خواست ها و نظریات مردم را از طریق برنامه های خویش انعکاس دهیم از طرف دیگر چون اکثر هنرمندان ما در ولایات و محلات سکونت دارند نمی توانند به مرکز آمده و آهنگ ثبت نمایند زیرا نه

تنها مصارف رفت و آمد آن گران تمام می شود بلکه در مرکز نیز هیچ نوع سهولت برای آنها میسر نیست هفته ها وقت را در بر میگیرد تا کدام آهنگ شان در رادیو و تلویزیون ثبت گردد که امید واریم در مورد توجه جدی صورت گیرد با آنهم به اثر سعی و تلاش مسوولین هر بخش اداره صدای هموطن با تعداد صدها پارچه آهنگ رادیویی و ده ها پارچه آهنگ تلویزیونی به هر زبان ثبت نوار شده و در آرشیف های رادیو و تلویزیون موجود است میباشد.



# ملي اتن



## جگره انيره نڅاه او دانرزي مقطعه يي فوران

سمندر وينا



ملي اتن يا "آتن" زموږ دانسانې کتلي لرغونې نڅاهه چې له پيرپورا پدېخوا د "ختيخ" پر مخه ستغ غرنې او ډبرينو ديوالونو پوښلي تاتوبسي کي ولسي وگړو په ژوند او سرنوشت کي را توکيدلي رالويه شوي او تر دې دمه بڼه په جوش سره پايدلي اولاهم دي د غي انسانې کتلي د ژوند مالگي او مصالي په توگه د ژوند کلتوري فلکلوريک اړخ ته ښکلا او ځلا ورکړي د اتن نڅاه دا ولسي ژوند پراخي خواوي او اړخونه د يوه زاړه کلتور په ډول بڼيانوي دغه راز اتن دا ولس ډگر تولينزراوان اولشعوري زيرمو دنمايش هنداره ده چې لاپدي اړه کتونکو او څيرونکو خپل ذهنونه قلمونه بڼه زپورندي کارولي دنړي په گوټ کي زاړه قومونه او نژادي

گروپونه (خپلو زړو باورونو نه او د سيمبوليک نمايش لپاره يولي مذهبي رزمي رقصونه او نڅاه گاني لري چې تراوسه دهغولري کيودايمان ستنې ورباندي ولاړي دي .

زده نه غواړم اتن ته په بريښنده توگه ديوي اعتقاد ي رزمي نڅاه يا گدانوم او تعريف ورکړم خو که د خپل ملي تاريخي ژوندانه زړواو هير وکوڅوته ورننوځونو بڼائي

اروايي فضايي په ډول سره ډډول او د نغاري او مستوڅلمو دچکو شرق زموږ پيتو حواسوته را ويني . زموږ نيکونو او پلانونو او هير وسلونو يوه څانگه هم ((رزم پالنه)) وه چې موږ دغه بار د خپل تاريخ په اوږو پرو . اتن هغه موسيقي او هغه گدا ده چې د انسان عصبي، ذهني حواسي او حتی عاطفي او بالاخره فزيکي بدني غړي ترخپل "سحر" لاندې راولي اتن

دودونه، شماره چهارم و پنجمه ۱۳۸۳

د انسان اراده د ډيرو قاطعو پريكړو په پولې و دروي، اتن د انسان د سربايلالو لوبې ته يوه سحرگره بلنه ده او لنډه دا چې اتن د انسان دواك مزي پاريدلو عواطفو ته سپاري او دا هغه شيبه ده چې ډارن عقل نشي كولاى دعواطفو د فوران مخه ونيسي. د اتن مستي د جگړې په اورور گډيږي او كله چې "وينى" وبهيدي د قهر، غوسې، غچ، اخستني وياړ گټني، عواطف د جگړې په اورونو او بهيد لوړينو اشباع شون نوبيا سر او تندي وهل پيل كيږي، هديرې زياتيږي او د انسانانو د ټولي په منځ كې ديتيه په نوم ماشومان او د كونه و په نوم سنبڅي پيدا كيږي او بيا يو اوږد سكوت ټولنه په خان كې پوسني تر خوبيا يتيما څلميان، او كونه ي غچ اخستونكي انا كاني شي.

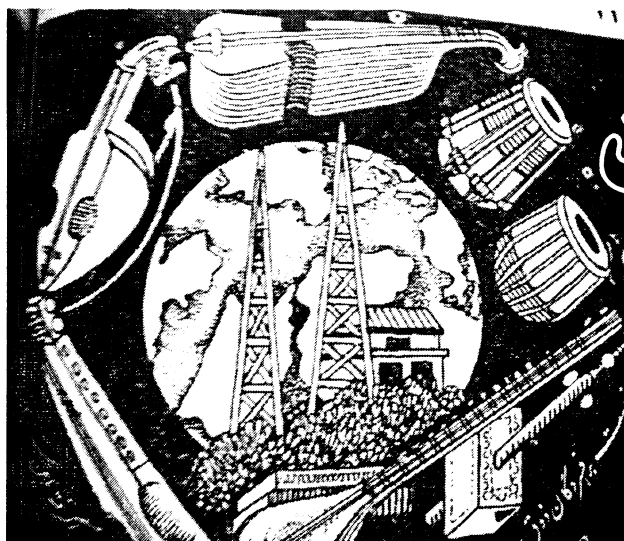
په يوه مانا زموږ مرنوشت د اتن د موسقى په داډون "تال" كې نغبنتي په هر حال، اتن زموږ له عمر وينا وو ذهنتونو او پوهو څخه مشردى اتن زموږ د ډله اي پيژندنې تر ټولو زړه تذكره ده او موږ په اوسني فكر سره بې له اتن څخه نيمكړي يو. كه ژورو گورو نو اتن يوه د غور خوا وپرخو، توپونو او خرخونو نڅا ده. چې پخپل لوړ فريكانسي سره د انرژي سترې زيرمى دويده او ساړه او په سكوت مبتلا وجود له پتو سمخو څخه راباسي او داولسى وگړو ژوند په يوه هسته تودو څه بد لوي.

تردي ده تيرته نظر جگړه اوزمى حماسوته نظر دي په يوه غرونه غرونه ديوان ديوان او كلاسيكه جغرافيه كي ديوه كلاسيك نسل او يوه ((مډرن)) تمدن د استعماري خراب او ترپ تياتر نابرابره سيالي او جگړه ده چې تل په كي ((د دغي طبيعي خاورې متور زلمي برلاسي راوتلي او دغه زلمي د اتن موسقى د بري پرگدي ورڅيرولي ځكه كيدلاي شي لدې پلوه زموږ د اتن موسقى دهغولر كيو او زړو قومي ډلوله مذهبى رزمي نڅاوو او موسقى سره سرو لگوي چې لا ((هم د فاتح تمدن د بنار مار په ژاموكي خپله لرغوني تعريف ژوندي ساتي.

په هر ډول كه دوا قعيتونو ته نري كه پام واړونو داسي برينبي چې د ژوند هڅو او بشري كاروان د يوشكل كيدلو بهير داپه ډاگه كوي چې اوس بري يوازي و(كلتوري اقتصادي سيالي له بر كته زيږي نه د پوځي او سميه ايرې عنصر د مقاومت او غوځ والي توب له امله اوس په تږي كي ځواكمن هغه څوك دي چې د اقتصادي كلتوري ودي لوړ ظرفيفونه ترلاسه كوي او دا چانس مومي چې خپل محصولات په پريمانه پيمانه نري ته صادر كړي ځكه خو غوره برينبي چې زموږ د اتن موسيقى هم ديوي شانداره وده موندلي موسيقى او دغه راز ديوه نڅاگر سپورت په توگه په نړيوال كلتور او موسيقى كي ځانگړي ځاي ومومي. څومره به به بنه وي چې دهيواد په گوت گوت كي د اتن گدا او موسيقى دودې دبيلابيلو سبكونو لپاره روزنيز كارونه ترسره شي د اتن دنڅاه او موسقى هر سبك كه پخپل چوكاټ كي ديوه ځانگړي مكتب په توگه پام واړول شي اولدي لاري اتن موسقى د موسقى دنړيوالي كورني يوه نري غږ شي.

# موسیقی افغانستان

## در سده اول



سخن را پیرامون سرگذشت موسیقی افغانستان در سده روان از زمان امارت امیر شیر علی خان آغاز میکنیم:-

روایت است که مقامات هند بر تانوی در سفری که امیر شیر علی خان به آن کشور نموده بود به میزبانان امیر هدایت داده بودند تا آنچه از وسایل تفریح و تنفس در حین سفر مورد علاقه زیاد امیر افغانی قرار می گیرد به عنوان تحفه به او پیشکش نمایند بناً از آنچه که امیر را در آن سفر نهایت خوش آمده و پیشکش گردید یکی هم گروهی از هنرمندان هندی بود که همراهی با او، و یا به تعقیب او وارد کابل و در بالا حصار کابل مسکن گزین شدن بعداً در کوچه خواجه خوردک در نزدیکی بالا حصار بر ایشان منازل رهاشی ساخته شد و در همین کوچه بود که شاگردانی تربیه و به تدریس موسیقی مشغول گردیدند هنوز درین وقت موسیقی هندی در کابل عمومیت نداشت به جز در دربار و یا مجالس شهزادگان، سرداران موسیقی هندی عمومیت داشت و بس زیرا که در عرف آنوقت اینکار مورد بدعت شمرده میشد و این دسته هنرمندان هندی تازه وارد را مردم به دیده نفرت می نگریستند آنها از خوف اینکه مبادا ایشان از جانب مردم کابل مورد حمله و تجاوز قرار گیرند بخاطر حفظ جان شان در محلی سکونت ایشان پرهه دارد ها مقرر شده بود و در روز های که به دربار خواسته میشدند فیل هایی را حاضر میساختند و استادان با آلات موسیقی خود سوار فیل ها از راه کوچه (غرغره) به دربار میرفتند، کوچه غرغره محلی بود مقابل مسجد استاد قاسم به شکل یک سر بلندی که به بالا حصار منتهی میشد و در آن زمان محکومین به عدم را در همین محل آورده و غرغره میکردند در زمان امارت امیر عبدالرحمن خان موسیقی قدری عام تر شده در خارج در بار نیز راه یافت بعد از اغتشاش نورستان یک عده زنان و مردان به کابل اسیر آورده شدند که در جمله یک زن زیبا بنام گلشاه نیز بود که او هم نزد استاد میاسمندر خان شاگرد شد زن دیگر موسوم به صوبی که خواننده بود به کابل آمد و دخترش (دیتو) نام داشت که او هم آواز خوانی میکرد ولی (دیتو) در عین حال زن عابده و پارسایی بود. دو زن آواز خوان دیگر نیز به نامهای کاکل و گوهر یا گورا در همین زمان از هند به کابل آمدند. بعد ها ستار جو پدر استاد قاسم از کشمیر هم چنان عطا حسین پدر استاد غلام حسین از لاهور به کابل آمدند و در کابل متوطن گردیدند. استاد غلام جیلانی سارنگ نواز مامای استاد غلام

حسین قربانعلی آواز خوان پدر استاد نتو و کریم حسین برادر استاد غلام حسین نیز از جمله هنرمندان و استادان معروفی بودند که در همین زمان از هند وارد کابل شدند در اینصورت موسیقی هندی رنگ و رونق تازه ای به خود گرفت و کوچه خواجه خوردک که در آنجا صرفاً هنرمندان موسیقی سکونت داشتند بنام کوچه خرابات ویا گذر خرابات شهرت یافت که تا امروز این محل به همین نام معروف است پس از برچیده شدن بساط موسیقی خراسانی، توسط هنرمندان موسیقی هند در کشور ما در آغاز این دوره جدید موسیقی کلاسیک هندی به شکل طربت خوانی راگ و راگنی خوانی آغاز یافت و در مرحله بعدی غزل خوانی به شکل نوی به میان آمد بدین ترتیب که تمام نوازنده گان یک دسته نیز آواز خوانی میکردند به گونه این که پیش آهنگ با آواز خوان اصلی خواندن غزلی را در مقامی معین آغاز مینمود و کسانی که در دسته او به حیث نوازنده همکاری داشتند هر یک به نوبت خویش در همان مقام غزلی یا تک بیت ها را می خواندند تا اینکه این شیوه نیز رفته رفته تغییر شکل داد و به شیوه ای که تا کنون رواج دارد به وجود آمد، بدین معنی که صرف آواز خوان اصلی در دسته اش آواز خوانی میکرد و سایرین او را با سازهای خویش همراهی میکردند و نخستین استادی که این شیوه جدید ساز و آواز خوانی را در کشور ما به میان آورد استاد قربانعلی نام داشت که استاد و مربی استاد قاسم و پدر استاد نتو بود روی این ملحوظ خواننده گانیکه به موسیقی هندی در افغانستان رنگ و روحیه افغانی بخشیدند و طرز هایی پشتو و دری سرودند استاد قاسم و استاد غلام حسین بودند. بعد ها استاد قاسم سر حلقه خرابایان گردیده و صدها شاگرد و خواننده گان کسبی و شوقی به جامعه تقدیم نمود و بعد از او استاد غلام حسین با سعی و تلاش بیکر رسالت و رهبری موسیقی افغانی را بدوش گرفت چنانچه او بود که موسیقی را از خرابات به میان مردم برد، کودکان و نوجوانان این مرز و بوم از کودکان تا پوهنتون و از طریق کورسهای شخصی و رسمی فن موسیقی را فرامی گرفتند.





# غزل و غزل سرایی

موسیقی غزل شاخه از موسیقی کلاسیک است که از سال‌ها پیش جوانه آورده و در کشورهای هند و پاکستان رواج یافته است و امروز علاقه‌مندان و دوستداران فراوان دارد موسیقی غزل نو آبروی‌های استادان و پیشگامان این شیوه چون بره غلام علی خان، مهدی حسن، غلام علی، انوب جلوتا و دیگران رنگ و بوی گوارا یافت. قابل به یاد آور نیست که در گذشته‌ها غزل خوانی در کشور ما طوری بود که آواز خوان در لابلای یک غزل چندین بیت دیگر را که با مضمون غزل اصلی از لحاظ معنوی مناسبت و نزدیکی می‌داشت آورده میشد که البته آنرا به اصطلاح شافرد می‌گفتند ولی امروز شکل دیگر گرفته است.

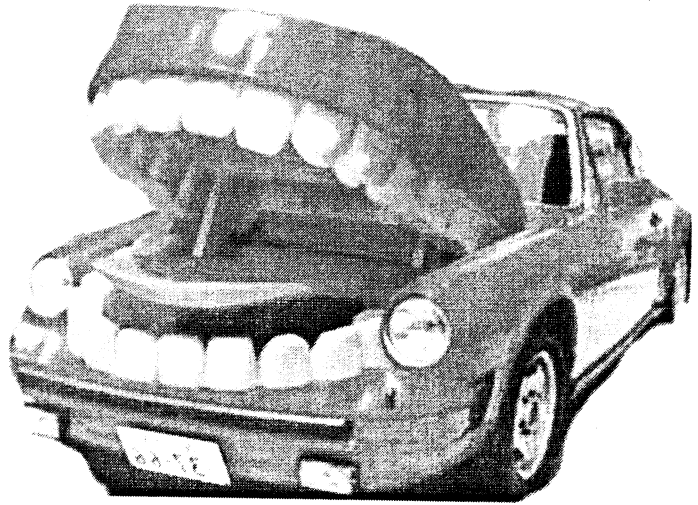
در کشور عزیزمان هر چند هنرمندانی در این شیوه از موسیقی کلاسیک خود را آزمایش کرده و چیزهایی عرضه نموده اند اما فقط شریف غزل را باید ستود زیرا او دارای استعداد بس عالی در این راستا بوده است و از جانبی غزل خوشه چین خرمین پر بار علم استاد فقید محمد حسین سر آهنگ سرتاج موسیقی است.

شریف غزل در حال حاضر به کشور آلمان در شهر هامبورگ زندگی دارد و قسمیکه اطلاع داریم هنرمند محبوب شریف غزل با وجود غربت و دوری از وطن همچنان با غزل و غزلخوانی پیوند دارد و از کارنامه‌های اخیر وی این امیدواری دست میدهد که با مداومت بیشتر در این شیوه موسیقی (غزلخوانی) شریف غزل روزی از سر آمد روزگار باشد.

ارسالی: لیلی آرزو

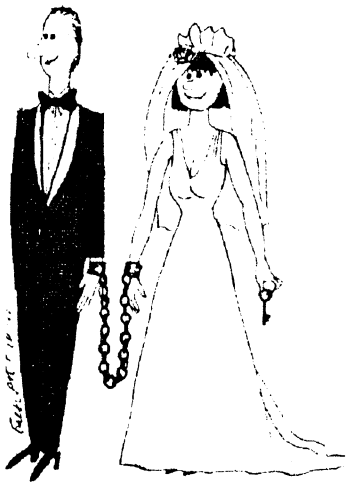


# ایستگاه خنجره



## قربان

یو سری ته چا غیر و کم قربانه هله بنه ری له  
 قلو رو منزلو فقه بنکته ، اولویده سری په مندو شو  
 په عین وقت کی بی سوچ و کم پی زما کور  
 فو قلو ، پوریز ندی ، فو بیا هم مندی و هی ، زه  
 فو بنه نلرم . بیا بی هم مندی ته دوام و کم  
 زما فو نوم قربان ندی!



مدال:

طفلی در فایله عکس مجله را می دید از پدرش پرسید  
 این مدال را به چه فاطمه به این نفر داده اند؟  
 پدرش گفت بفاطریکه او خودش قهرمان جنگ است.  
 طفل پرسید پس چرا برای فوت و مارم چنین مدال  
 نداده اند؟

مریض:

سرطیب دارالمجانین صبح وقت وارد شفاخانه شد پرستار را صدا کرد و گفت  
 فوب فال مریضی اتاق شماره ۲۰ بطور است؟  
 پرستار جواب داد:  
 میل دارد پرورد خانه و زنش را ببیند.  
 سرطیب بدون معطلی گفت باید فیلی مراقب او باشید چون معلوم میشود که  
 دیوانگیش شدت کرده است.

تو کی:

ابوالعین > بغداد > مشهور ، شاعر او تو کی >  
 ابن مکرّم > مصر له تو کی سره > کوم امیر  
 په مجلس کی فنک په فنک ناست وه او  
 یوبل سره بی پتی پتی فبری کو لی امیر  
 > دوی پس پوسک ته متوجه شو او > تو کی  
 په دول بی وویل . " بیا فقه درواغ  
 جو روی؟

ابوالعین سم د لاسه جواب و ، کم: ( ستاسی  
 مدح کوو)



# طنز

## مصاحبه



این کنجکاو ی به کجا ها که آدم را نمیکشاند مقاله بالای را در یکی از روزنامه ها خواندم که عنوان آن این بود: (کل در دست انسان)

با خواندن مقاله فهمیدم که موزیمی وجود دارد که آثار هنری در رشته کلالی را در خود جا داده است. تصمیم گرفتم از این موزیم دیدن کنم. هرچه میپرسیدم که این موزیم کجاست کسی جواب دقیقی به من داده نه میتوانست من تقریباً موزیم را فراموش کرده بودم و روزی ورکشاپ ترمیم یخچال را میپالیدم که در جایی لوحه یی توجه مرا به خود جلب کرد:

(مدیریت موزیم اشیای کلی)

طبعاً از دیدن لوحه خوشحال شدم و داخل عمارت شدم. البته این موزیم نبود اما مدیریت آن بود بهر حال سراج مدیر موزیم را گرفتم مرا به اتاقی او راهنمایی کردند.

فهمیدم که او را به علت تخلصش مدیر این موزیم مقرر کرده اند، زیرا تخلص وی (کلال) بود. باهم دست دادیم و مقابل او نشستیم خود را به او معرفی کردم و گفتم که خبرنگار هستیم و برای مصاحبه آمده ام. او با خوشحالی گفت:

- بفرمایید هر سوالی که دارید مطرح کنید. پرسیدم:

- مدت زیادی است که شما مدیر این موزیم هستید؟ - بلی... میتوان گفت که از سال تاسیس آن یعنی از چهار سال به اینطرف.

- معذرت میخواهم... طوریکه من از این و آن پرسیدم مردم کمتر با موزیم شما آشنایی دارند و حتی نمیدانند در کجا واقع است..... علت آنرا...

سخنم را برید:

طبعاً کسی خبر ندارد.... آخر چطور میتوان موزیمی را که

وجود ندارد دید.

- چطور وجود ندارد؟

- وجود ندارد.

- پس شما مدیر چی هستید؟

- مدیر موزیم اشیای کلی.... من معاون و چند نفر همکار

رسمی و اجیر و قراردادی هم دارم. - عجب پس موزیم

کجاست؟

- نیست....

- این چطور امکان دارد؟

- اینطور است، دوست عزیز که من آمر انستیتوت هنر کلالی

بودم، انستیتوت مذکور لغو شد بعد گفتند باید در هنر

کلالی بوجود آید ما را مقرر کردند و همین است نه کار

میکنیم و (مشغول) هستیم.

از جایم بلند شدم و گفتم:

در اینصورت خدا حافظ....

اگر کار موزیم درست شد مرا در جریان بگذارید.

کدام موزیم...؟

بهر حال من رقتم. خدا حافظ

مدیرت مرا تادم در مشایعت کرد و هنگام خدا حافظی گفت:

بخشید در کدام روزنامه شما در باره ما مطلب می نویسید

که باز بخوانم؟

گفتم: من در مجله (خدا) کار میکنم فعلاً چنین مجله یی

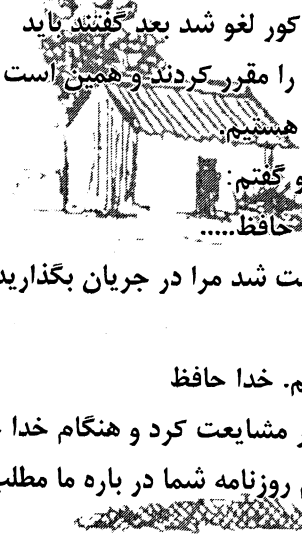
وجود ندارد البته مدیر مسوول معاون، عکاس و چند خبرنگار

دارد اما هنوز نشر نشده، دوسال است که ما در دفتر خود

برای شماره اول مطالب را جمع آوری میکنیم ولی خدا میداند

که چه وقت چاپ مجله شروع میشود.

بهر حال ما فعلاً (مشغول) هستیم.



# معرفی نشرات هفته وار

۵:۳۰ سمبول تلویزیون و معرفی نشرات	نشرات شام شنبه
۵:۳۲ برنامه کودک و فلم کارتونی	۵:۳ سمبول تلویزیون و معرفی نشرات
۷:۵۷ تکنوازی	۵:۲۲ برنامه اطفال و فلم کارتونی
۶:۰۰ اخبار پشتو	۵:۵۷ تکنوازی
۶:۰۵ برنامه زراعت و مالداري	۶:۰۰ برنامه سفر تلویزیونی
برنامه راه زنده گی	برنامه جهان ما
۶:۲۵ برنامه راپور علمی	۶:۲۵ برنامه روشنی
۶:۴۵ مصاحبه ها، گزارشات ویا موسیقی و اعلانات	برنامه موسیقی جوانان (شگوفه ها)
۷:۰۰ اخبار دری - دویچه وبله	برنامه صلح و امنیت
۷:۲۵ برنامه موسیقی محلی	۶:۴۵ مصاحبه و گزارشات با موسیقی اعلانات
۷:۵۵ اعلانات تجارتي	۷:۰۰ اخبار دری و دویچه وبله
اخبار پشتو - دویچه وبله	۷:۲۵ موسیقی ویا سپاتها
۸:۲۵ موسیقی و سپاتها	۷:۳۰ برنامه موسیقی انتخابی
۸:۳۰ برنامه فرهنگ مرد	۷:۵۵ اعلانات تجارتي
برنامه کتاب	۸:۰۰ اخبار پشتو - دویچه وبله
برنامه نگاه	۸:۲۵ موسیقی ویا سپاتها
۹:۰۰ اخبار دری	۸:۳۰ برنامه چمن گل
۹:۱۰ آهنگ	برنامه مجله تلویزیونی
۹:۱۵ انانس و فلم هنری	۹:۰۰ اخبار دری
۱۰:۴۵ انانس ختم و نیایش	۹:۱۰ ادامه برنامه
۱۰:۵۰ شب بخیر	۱۰:۳۰ انانس ختم و نیایش
	۱۰:۲۵ شب بخیر



# تلویزیون ملی افغانستان

نشرات شام دوشنبه	۱۰:۴۵ انانس ختم و نیایش
۵:۳۰ سمبول تلویزیون و معرفی نشرات	۱۰:۵۰ شب بخیر
۵:۳۲ برنامه کودک و فلم کارتونی	نشرات شام سه شنبه
۷:۵۷ تکنوازی	۵:۳۰ سمبول تلویزیون و معرفی نشرات
۶:۰۰ اخبار پستو	۵:۳۲ برنامه کودک و فلم کارتونی
۶:۵ برنامه صحت برای همه	۷:۵۷ تکنوازی
برنامه نمایشنامه کوتاه	۶:۰۰ اخبار پستو
۶:۴۵ مصاحبه ها، گزارشات ویا موسیقی و اعلانات	۶:۵ برنامه محیط زیست
۷:۰۰ اخبار دری- دویچه و یله	برنامه قانون و جامعه
۷:۲۵ موسیقی و سپاتها	۶:۲۵ موسیقی
۷:۳۰ برنامه موسیقی انتخابی	۶:۳۵ برنامه پولیس دتولنی خدمتگار
۷:۵۵ اعلانات تجارتي	برنامه اردوی ملی
۸:۰۰ اخبار پستو- دویچه و یله	۶:۵۵ اعلانات تجارتي
۸:۲۵ موسیقی و سپاتها	۷:۰۰ اخبار دری- دویچه و یله
۸:۳۰ آئینه شهر	۷:۲۵ موسیقی و پاسپات
برنامه هفت شهر هنر	۷:۳۰ برنامه گذرگاه اندیشه هفته دوم- چهارم
برنامه شب قصه	برنامه حجرى مجلس هفته اول- سوم
۹:۰۰ اخبار دری	۷:۵۵ اعلانات تجارتي
۹:۱۰ آهنگ	اخبار پستو- دویچه و یله
۹:۱۵ انانس و برنامه سینما	۸:۲۵ موسیقی و سپاتها
برنامه شما و تلویزیون	۸:۳۰ برنامه رنگین کمان
۱۰:۵ برنامه بزم غزل	برنامه چشم انداز هفته سوم- چهارم

# معرفی نشرات هفته وار

۹:۲۰ برنامه زمزمه های شب هنگام هفته اول	۹:۰۰ اخبار دری
برنامه کاروان حله هفته دوم	۹:۱۰ ادامه برنامه
برنامه مشعلداران هنر و دانش هفته سوم	۱۰:۰۰ انانس و سریال تلویزیونی
برنامه تیاتر تلویزیونی هفته چهارم	۱۰:۵۵ انانس ختم و نیایش
۱۰:۰۰ برنامه ورزش خارجی	۱۱:۰۰ شب بخیر
۱۰:۴۵ انانس ختم و نیایش	
۱:۵۰ شب بخیر	نشرات شام چهارشنبه
	۵:۳۰ سمبول تلویزیون و معرفی نشرات
نشرات شام پنجشنبه	۵:۳۲ برنامه کودک و فلم کارتونی
۵:۳۰ سمبول تلویزیون و معرفی نشرات	۷:۵۷ تکنوازی
۵:۳۲ برنامه کودک و فلم کارتونی	۶:۰۰ اخبار پشتو
۷:۵۷ تکنوازی	۶:۰۵ برنامه دانش برای همه
۶:۰۰ اخبار پشتو	۶:۳۵ برنامه دانستنیهای از فقه
۶:۰۵ برنامه درسهایی از قرآنکریم	۶:۵۵ اعلانات تجارتي
۶:۴۵ مصاحبه ویا گزارش یا موسیقی واعلانات	۷:۰۰ اخبار دری - دویچه وبله
۷:۰۰ اخبار دری - دویچه وبله	۷:۲۵ موسیقی وپاسپات
۷:۲۵ موسیقی وپاسپات	۷:۳۰ برنامه یک هنرمند و چند آهنگ هفته اول - سوم
۷:۳۰ برنامه موسیقی رنگارنگ	برنامه موسیقی انتخابی دوم - چهارم
۸:۰۰ اخبار پشتو - دویچه وبله	۸:۰۰ اخبار پشتو - دویچه وبله
۸:۲۵ موسیقی و پاسپات	۸:۲۵ موسیقی و پاسپات
۸:۳۰ انانس و فلم هنری	۸:۳۰ انانس و برنامه زن و جامعه هفته اول - سوم
۹:۰۰ اخبار دری	برنامه دنیای جوانان هفته دوم - چهارم
۹:۱۰ ادامه فلم هنری	۹:۰۰ اخبار دری
۱۱:۰۰ انانس ختم و نیایش	۹:۱۰ ادامه برنامه



# تلویزیون ملی افغانستان

برنامه موسیقی کلاسیک هفته چهارم	۱۱:۵ شب بخیر
۱۱:۰۰ انانس ختم و نیایش	نشرات شام جمعه
۱۱:۵ شب بخیر	
	۵:۳۰ سمبول تلویزیون و معرفی نشرات
نشرات صبح جمعه	۵:۲۲ برنامه زنگ مکتب
۹:۰۰ آرم تلویزیون	برنامه ماین دشمن پنهان
۹:۳ مقدمه و انانس تلاوت	برنامه بیاموزیم تا بیاموزانیم با صدای سرمیاشتهفته چهارم
۹:۴ تلاوت قرآنکریم همراه با ترجمه	۵:۵۲ موسیقی
۹:۱۴ معرفی نشرات	۶:۰۰ برنامه جهان حیوانات
۹:۱۵ فلم کارتونی برای اطفال	۶:۳۰ برنامه در رهگذر نور
۹:۳۰ برنامه نمایشنامه کوتاه هفته اول و سوم	۶:۵۰ اعلانات و موسیقی
۹:۴۰ برنامه موسیقی (بزم محلی)	۷:۰۰ اخبار دری و دویچه ویله
۱۰:۱۰ انانس و فلم هنری برای نوجوانان	۷:۲۵ موسیقی و پاسپات
۱۱:۰۰ اخباری	۷:۱۰ برنامه از هر جا از هر نگ
۱۱:۰۵ برنامه از لابلای آرشیف نشرات تلویزیون هفته اول - سوم	۷:۵۵ اعلانات تجارتي
برنامه سفر تلویزیون و یا جهان ما هفته دوم - چهارم	۸:۰۰ اخبار پشتو و دویچه ویله
۱۱:۰۵ برنامه بسوی نور	۸:۲۵ سپات و موسیقی
۱۲:۰۰ انانس ختم	۸:۴۵ برنامه افغانستان در راستای بازسازی
۱۲:۳۰ روز بخیر	۹:۰۰ اخبار دری
	۹:۱۰ برنامه پاسخ چیست هفته اول - سوم
نوت: قابل یاد آوریست که بعضی از برنامه های شب گذشته	برنامه آزمونگاه ذهنهفته دوم - چهارم
طور گلچین فردای آن شب تکراراً از ساعت (۲) ظهر الی (۳۰)	۱۰:۱۰ برنامه ساعتی با شما هفته اول - سوم
(۵) شام به نشر میرسد.	برنامه بزم قوالی هفته دوم

# خدمات فرهنگی و کلتوری افغان بیسیم



افغان بیسیم اولین شرکت است که در سپیده دم پیروزی صلح بر جنگ اولین سنگ بنای بازسازی وزندگی را روی فرابنه های ناشی از جنگ در کابل گذشت.

افغان بیسیم کارفودرا باسویج با ظرفیت ۵۰۰۰۰ مشترک در مالی آغاز نموده

که هنوز فقط چهارتاور را

نصب کرده بود، بعد با گذشت زمان و مطالعه از علاقمندی و نیاز روز افزون مردم، این شرکت در صد شد تا هر چه زودتر سامه پوشش فودرا وسیع تر و ظرفیت شبکه فویش را ازدیاد بخشد، به همین لهما با نصب تاورها در نقاط مختلف شهر بر کیفیت کاری فویش افزود، چنانچه تعداد تاورها به ۳۶ پایه انهم تنها در شهر کابل افزایش یافت. افغان بیسیم به خاطر اینکه به نیازهای مشتریان علاقمندان فویش پاسخ مثبت داده باشد، سویج جدیدی

را از کمپنی مشهور زیمنس فریداری و به فعالیت اندافت.

چون هدف از ایجاد افغان بیسیم قدمتگذاری به هموطنان مامی باشد، بناء این خدمات محدود

منمصر به کابل نمانده بلکه زودترین فرصت شبکه فود را در سایر شهرها چون هرات، مزار شریف، کندهار، ننگرهار، کندز، چاریکار، جبل السراج، بگرام، تالقان، لوگر، غزنی گسترش داد و در خدمت اهالی این شهرها قرار گرفت. افغان بیسیم در طول موجودیت



خود همواره کوشیده است تا تسهیلات بیشتر و بیشتر را به مردم عرضه دارد تا هموطنان شریف ما بتوانند راحت تر و آسان تر از خدمات آن استفاده نمایند و تا افغان بیسیم مددکار فوب مردم باشد. افغان بیسیم نه تنها در عرصه خدمات جی، اس، ام، سرگرم عمل بوده بلکه در ایجاد اینترنت کلیها، بازسازی کودکانستان ها، ایجاد کلینیک صمی برای اشخاص نیازمندی بصناعت، ایجاد شعبات کمپیوتری برای موسسات تعلیمی، تهیه سامان و وسایل برای موسسات طبی، تهیه و توزیع قرطاسیه به مکاتب و ده ها کمک دیگر را انجام داده و نقش عمده در پروگرام های عام المنفعه داشته که ما به خاطر جلوگیری از طولانی شدن کلام از رفتن به جزئیات می پرهیزیم، ولی یک حقیقت انکارناپذیر باید گفته شود که عرصه هنر بیشتر از سایر عرصه های زندگی در جریان جنگ ها آسیب دیده و جراتات شدید بر پیکر این شعبه ظریف وارد گردیده است هنرمندان ما به هر شفافه از هنر که مربوط میشدند، به شهادت رسیدند، مهاجر شدند. باز سامه کارکنان رفتند، و یاهم به خاطر دریافت لقمه نانی با دشواری ها پنجه نرم کردند که این عمل خود از لفاظی روانی ضربه سنگینی بر روح و روان هنر مند ما وارد کرده که نتیجه و پیامد های ناگوار آن دلسردی و از دست دادن قدرت ابتکار و ملاقیت بود. با درک همین واقعیت تلخ، و با درک رسالت و مسئولیت در برابر وطن و مردم وطن، افغان بیسیم وظیفه خود دانست تا در پهلوی عرضه خدمات مخابراتی، در

سایر عرصه ها از جمله بخش های علمی و فرهنگی نیز کار هایی را انجام دهد و جیبه ملی فویش را داد کند. بنا بر آن در اثر هدایت جناب امسان الله بیات موسسه و رئیس عمومی افغان بیسیم این شرکت افتخار ماصل کرد تا مساعده های زیادی را به موسسات بنماید و ما در اینجا از ذکر همه این کمکها صرف نظر نموده و تنها از یکی دو مورد آن یاد آوری میکنیم:

شرکت افغان بیسیم در خزان سال جاری ۱۳۸۳ بار دیگر هنر و هنر مند کشور را به تقدیر گرفته، جشنواره ای را که از طرف وزارت اطلاعات و کلتور با شرکت هنر مندانش بخش های مختلف آن تدویر یافته بود تمویل نموده تا باشد که با آبراه اندازی این چنین برنامه ها، هنر بار دیگر در کشور ما زنده گردد. رونق یابد و به تعالی برسد. افغان بیسیم در مواقع مختلف و به مناسبت های مختلف تفیفات را جهت کمک به مشتریان خود به عمل آورده و مخصوصا به گرامیداشت از روز های مذهبی برنامه ای فوبی را داشته است، چنانچه در موسم حج امسال برنامه اعزام سه تن از مشترکین خود را برای انداخته و از طریق قرعه سه تن را به حج بیت الله شریف معرفی کرد افغان بیسیم تمام مصارف این شافاص را الی باز شت شان به وطن عهده دار بود. اینگونه فعالیت ها ثابت کننده این حقیقت است که هدف از ایجاد افغان بیسیم نه بخاطر کسب منفعت است، بلکه بهانه ای بخاطر باز سازی وطن و خدمت به هموطنان میباشد.



# تقویم یکصد و پنجاه ساله از ابتکارات حنیف زی سائل برای ملت افغانستان

1371	1366	1360	1349	1334	1337	1331	1329	1320	ا	اسد	جوزا	ثور	سرطان	سنبله	حمل	حوت	قوس	ت	جدی	ح	دلوه	عقرب
1319	1450	1444	1439	1433	1422	1416	1411	1415														
		1301	1312	1314	1394	1388	1383	1377	ب	اسد	میزان	ثور	سرطان	سنبله	حمل	جوزا	حوت	قوس	ف	جدی	هـ	دلو
1372	1367	1361	1355	1350	1344	1338	1332	1321														
1302	1307	1313	1445	1434	1428	1323	1417	1406	ج	اسد	میزان	ثور	سرطان	قوس	حمل	عقرب	حوت	سنبله	ح	جدی	ن	دلوه
					1400	1395	1389	1378														
1379	1373	1362	1356	1345	1339	1333	1327	1322	د	اسد	میزان	ثور	سرطان	قوس	حمل	عقرب	حوت	سنبله	ح	جدی	ی	میزان
1308	1315	1446	1440	1435	1429	1418	1412	1407														
						1401	1390	1384	ر	اسد	میزان	ثور	سرطان	قوس	حمل	جوزا	دلوه	سنبله	ح	جدی	ی	میزان
1385	1374	1368	1363	1357	1351	1340	1334	1328														
	1309	1316	1447	1441	1430	1324	1419	1413	س	اسد	میزان	ثور	سرطان	قوس	حمل	جوزا	دلوه	سنبله	ح	جدی	ی	میزان
					1303	1402	1396	1391														
1380	1375	1369	1364	1358	1352	1341	1329	1323	ص	اسد	میزان	ثور	سرطان	قوس	حمل	جوزا	دلوه	سنبله	ح	جدی	ی	میزان
	1310	1317	1442	1436	1431	1325	1414	1408														
					1304	1403	1397	1396	ص	اسد	میزان	ثور	سرطان	قوس	حمل	جوزا	دلوه	سنبله	ح	جدی	ی	میزان
1398	1392	1387	1381	1347	1370	1335	1353	1324														
1318	1448	1443	1437	1326	1420	1415	1409		ص	اسد	میزان	ثور	سرطان	قوس	حمل	جوزا	دلوه	سنبله	ح	جدی	ی	میزان
							1305															
1376	1365	1359	1354	1348	1342	1336	1330	1325	ص	اسد	میزان	ثور	سرطان	قوس	حمل	جوزا	دلوه	سنبله	ح	جدی	ی	میزان
	1306	1311	1449	1438	1432	1327	1321	1410														
				1300	1404	1399	1393	1382	ص	اسد	میزان	ثور	سرطان	قوس	حمل	جوزا	دلوه	سنبله	ح	جدی	ی	میزان



طریق استفاده: اگر ما	۲۹	۲۲	۱۵	۸	۱	جمع	پنج شنبه	چهارشنبه	سه شنبه	دوشنبه	یکشنبه	شنبه
بخواهیم ۲۸ اسد سال	۳۰	۲۳	۱۶	۹	۲	شنبه	جمع	پنج شنبه	چهارشنبه	سه شنبه	دوشنبه	یکشنبه
۱۳۸۳ را دریافت نمائیم از این	۳۱	۲۴	۱۷	۱۰	۳	یکشنبه	شنبه	جمع	پنج شنبه	چهارشنبه	سه شنبه	دوشنبه
طریق استفاده بعمل میاوریم.		۲۵	۱۸	۱۱	۴		دوشنبه	یکشنبه	شنبه	جمع	پنج شنبه	چهارشنبه
از تیرهای افقی و عمودی		۲۶	۱۹	۱۲	۵		سه شنبه	دوشنبه	یکشنبه	شنبه	جمع	پنج شنبه
که در جدول تذکر یافته		۲۷	۲۰	۱۳	۶		چهارشنبه	سه شنبه	دوشنبه	یکشنبه	شنبه	جمع
است پیروی نمائیم روز و		۲۸	۲۱	۱۴	۷		پنج شنبه	چهارشنبه	سه شنبه	دوشنبه	یکشنبه	شنبه
تاریخ آن بدست می آید.												



دورود: ۰۰۵۵، شماره چهارم و پنجم، ۱۳۸۳

# ماتو خوش سال خوش

ای نو بهار عاشقان، داری خیر از یار ما ،  
ای از تو آبستن چمن، وی از تو خندان باغها  
ای باد های خوشی نفس، عشاق را فریاد رس  
ای پاکتر از جان و جا؟ آخر کجا بودی؟ کجا؟  
ای فتنه روم و حبشو حیران شدم کاین بوی خوشی  
پیراهن یوسف بود؟ یا خود روان مصطفی!  
ای جوی بار راستی، از جوی بار ماستی  
بر سینه ها سیناستی، بر جانهای جانفزا  
ای قیل و ای قال تو خوشی  
وی جمله اشکال تو خوشی  
ماه تو خوشی، سال تو خوشی،  
ای سال و مه چاکر ترا  
ای قیل و ای قال تو خوشی  
وی جمله اشکال تو خوشی  
ماه تو خوشی، سال تو خوشی  
ای سال و مه چاکر ترا

# 1 SIM + 1000 Units \$30

# Buy 3 SIMs and save \$30

1000 Units



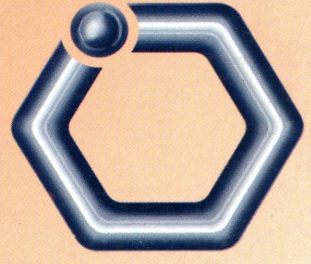
\$40

1000 Units  
1000 Units  
1000 Units



~~\$120~~  
\$90

ACKU  
Julius  
HE  
8700-9  
ان 77  
T 29



**Afghan Wireless**  
Connecting Afghanistan

افغان بی بی سی  
د افغانستان نېټولو ونکی

a member of  
**GSMA**  
ASSOCIATION

[www.afghan-wireless.com](http://www.afghan-wireless.com)

Call us on 070 830 830